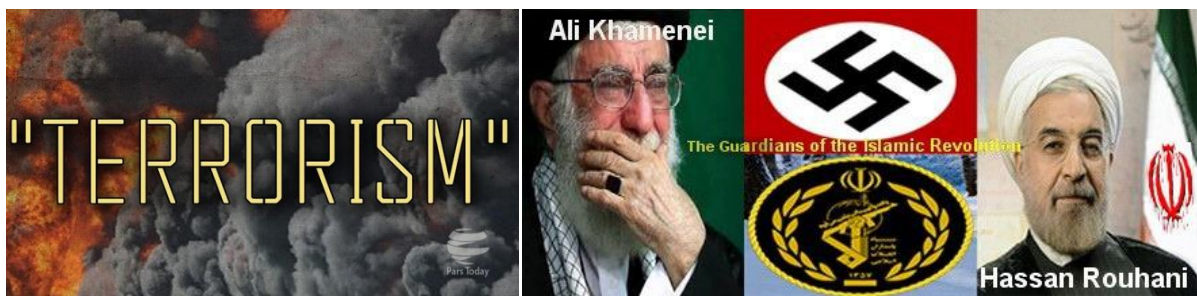


دیپلمات - تروریست زندانی حکومت اسلامی بلژیک را تهدید به «انتقام‌گیری» کرد!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

تروریسم دولتی، از سیاست‌های کلان و رسمی حکومت اسلامی ایران است. قانون اساسی این حکومت رسماً برای سپاه پاسداران چنین مسئولیتی فرای مرزهای جغرافیایی قائل شده است. نیروی تروریستی قدس ارگان پیش‌برنده این استراتژی در سطح جهان است و برای این‌کار با میلیاردها دلار هزینه، ده‌هاست که برنامه‌های تروریستی خود را در سطح جهان اشاعه می‌دهد. وزارت اطلاعات نیز یکی از ارگان‌های تروریستی مکمل این نیروی مخوف است. صدها رشته عملیات برون‌مرزی توسط وزارت اطلاعات در دهه‌های گذشته انجام شده است. اکبر براتی یکی از مسئولین واحد اطلاعات سپاه در این باره می‌گوید: «واحد اطلاعات نظامی. بعد قرارگاه‌هایی هم برای پشتیبانی مجاهدین افغانستانی و لبنانی اختصاص داشت که آن‌ها هم آمد زیرمجموعه این اطلاعات. اول قرارگاه بودند مثل قرارگاه رمضان و قرارگاه بلال و بعداً آمدند زیر نظر مجموعه این واحد، چون فرمادهی یکی بود. من به دعوت آقای رضایی رفتم در آن اطلاعات و عضو شورای اطلاعات شدم. علاوه بر این قرارگاه رمضان را هم بنا به دستور حضرات آقا(خامنه‌ای) که گفتند راه‌اندازی کنید، آن را هم راه‌اندازی کردیم.»



بدین ترتیب در چهار دهه گذشته برخی کشورها، سازمان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی، حکومت اسلامی ایران را به‌دست داشتن در اقدامات تروریستی یا حمایت از گروه‌های تروریستی متهم یا محکوم کرده‌اند. هم‌اکنون نیز یک پرونده قطور ترور حکومت اسلامی در بلژیک، با دخالت برخی دولت‌های اروپایی همچون فرانسه، آلمان، اتریش، هلند و ... در جریان است. به‌علاوه یک پرونده جدید تروریسم دولتی حکومت اسلامی در ترکیه در جریان است. «مسعود مولوی وردنجانی»، از عوامل امنیتی سابق حکومت اسلامی ایران در وزارت دفاع و در حوزه امنیت سایبری در اطلاعات سپاه بود که پس از گریختن به ترکیه، در ۲۹ آبان ۱۳۹۸، هنگامی که در خیابان‌های استانبول به‌همراه یکی از دوستانش در حال قدم زدن بود از سوی یک فرد ناشناس هدف چند گلوله قرار گرفت و کشته شد.

به‌نوشته رویترز و به نقل از مقام‌های امنیتی ترکیه، دو دیپلمات حکومت اسلامی ایرانی در این قتل دست داشته‌اند و کنسولگری ایران در ترکیه محل فرماندهی این عملیات ترور بوده است.

هنوز چند ماه از به قدرت رسیدن «حکومت اسلامی ایران» به رهبری «روح‌الله خمینی» نگذشته بود که رفت‌وآمد نمایندگان صدها گروه‌های «تروریستی» از خاورمیانه تا شرق آسیا، از آمریکای لاتین تا شاخ آفریقا به تهران باز شد. حکومت اسلامی ایران خود را «پناهگاه» آنان می‌دانست که قرار است پان‌اسلامیسم را به جهان صادر کنند. در واقع آنچه برای خمینی، حائز اهمیت بود نه آزادی و برابری و رفاه مردم انقلاب کرده، بلکه تفکر مذهبی او و گسترش «خلیفه‌گری اسلامی» از نوع شیعی بود. بر اساس همین تفکر بود که امروز می‌توان «حزب‌الله لبنان»، «حوثی‌های یمن»، «شیعیان عراق»، «داعش»، «القاعده»، «طالبان» را نوادگان و فرزندان ایدئولوژیکی «خمینی» و حکومتی که بیان گذاشت، نامید.

در اردیبهشت ۹۴، «مشرق» گزارش داد: «هیات سیاسی طالبان افغانستان در سفر به تهران با مقامات امنیتی جمهوری اسلامی ایران دیدار و پیرامون مسایل منطقه‌ای، به‌ویژه مسایل جهان اسلام و همچنین مسایل مربوط به مهاجران، به بحث و تبادل نظر پرداختند.»

حکومت اسلامی به‌صورت رسمی و غیررسمی و مخفی و علنی از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند. برخی گروه‌های تروریستی اسلامی مانند داعش شاید مستقیماً با حکومت اسلامی ایران رابطه نداشته باشند اما همان سیاست کلان حکومت اسلامی را در عرصه تروریسم به کار می‌برند و عملاً دست‌پرورده‌های حکومت اسلامی محسوب می‌شوند.

حتی بررسی‌ها نشان می‌دهند در سال‌های اخیر شکل عملیات‌های ترور تا حدودی تغییر کرده است. به‌عنوان مثال در گذشته ماموران امنیتی از ایران برای اجرای عملیات‌ها اعزام می‌شدند اما در چهار پنج سال گذشته می‌بینیم برخی از این عملیات‌ها با اجیر کردن باندها یا افراد خلافکار پیش برده می‌شود.

با این مقدمه، تروریسم اخیر حکومت اسلامی و همچنین به‌نمونه‌هایی از ترورهای تاریخی حکومت اسلامی اشاره می‌کنم.

سفارت حکومت اسلامی ایران در بلژیک، گزارش خبرگزاری رویترز درباره اسدالله اسدی دیپلمات ایرانی بازداشت شده در این کشور به اتهام تروریسم را رد کرد.

پس از آن که خبرگزاری رویترز فاش کرد که اسدالله اسدی دیپلمات ایرانی که به اتهام تلاش برای انفجار گردهمایی «شورای ملی مقاومت ایران» در پاریس، در بلژیک محاکمه می‌شود، تهدید کرده که اگر مجرم شناخته شود، گروه‌های ناشناخته دست به عملیات تلافی‌جویانه خواهند زد؛ سفارت حکومت اسلامی ایران در بلژیک با صدور بیانیتهای گزارش رویترز در خصوص اسدالله اسدی را رد کرد.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، در این بیانیه که روز سه‌شنبه ۱۳ اکتبر ۲۰۲۰ منتشر شد، آمده است: «سفارت جمهوری اسلامی ایران در بلژیک و دوک اعظم لوکزامبورگ با نگرانی گزارشات بی‌اساسی در خصوص دیپلمات ایرانی که به طور غیرقانونی در آنتورپ بازداشت و از ۹ اکتبر در برخی وبسایت‌ها منتشر شده است را دنبال می‌کند و از این‌که این گزارشات تا چه حد تغییر یافته و از واقعیت به دور هستند، شگفت‌زده شده است. این گزارشات را دست‌کم می‌توان مغرضانه خواند.»

این سفارت در حالی نوشته رویترز را تکذیب کرده که اپوزیسیون سرنگونی‌طلب و آزادی‌خواه و عدالت‌جو و چپ ایرانی نزدیک به چهار دهه است که همواره هشدار می‌دهند سفارت‌خانه‌ها، کنسول‌گری‌ها، مراکز مذهبی، مساجد و هر مکان و مرکزی که وابسته به حکومت اسلامی ایران است مراکز جاسوسی ترور و تهدید علیه مخالفین حکومت‌شان هستند و به همین دلیل باید این مراکز بسته شوند.

بازجویان بلژیکی اسدالله اسدی که کنسول سوم سفارت ایران در وین مستقر بود به همراه سه نفر دیگر را در اکتبر ۲۰۱۸ به‌خاطر برنامه‌ریزی برای یک حمله در آن سال علیه گردهمایی «شورای ملی مقاومت ایران» در پاریس که در آن مقامات ارشد سابق آمریکایی، اروپایی و عرب شرکت داشتند، متهم کردند. مقامات فرانسوی گفته‌اند که او مسئول اطلاعات در جنوب اروپا بود و با دستور تهران عمل می‌کرد.



اما مقامات قضایی بلژیک با انتشار اسنادی می‌گویند اسدالله اسدی، دیپلمات - تروریست حکومت اسلامی ایران که به ظن برنامه‌ریزی برای انفجار در گردهمایی سازمان مجاهدین خلق، در بازداشت بلژیک و تحت محاکمه است، گفته است محکومیت او در دادگاه ممکن است به «انتقام‌گیری» برخی گروه‌ها از مقام‌های بلژیکی منجر شود.

مقامات قضایی بلژیک روز چهارشنبه اسدالله اسدی، دیپلمات سفارت حکومت اسلامی ایران در اتریش و سه نفر دیگر را به برنامه‌ریزی برای بمب‌گذاری در نشست مجاهدین خلق در پاریس متهم کردند. هر چهار متهم در دادگاه تفهیم اتهام شدند.

اسدالله اسدی در آلمان بازداشت و سپس به بلژیک تحویل داده شد. دو متهم دیگر در ماه ژوئن به همراه ۵۰۰ گرم ماده منفجره پروکسید استون در بلژیک بازداشت شدند. متهم چهارم نیز در فرانسه دستگیر و سپس به بلژیک تحویل داده شد.

اسدی در بازجویی خود گستاخانه بلژیک را تهدید کرده است. به گزارش خبرگزاری رویترز، اسدی در بازجویی از سوی پلیس بلژیک گفته است که این کشور «درک نمی‌کند که در صورت صدور حکم ناپسندی علیه او که غیرمطلوب باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد.» بر اساس این گزارش، اسدالله اسدی، با اشاره به گروه‌های مسلح در خاورمیانه که پیگیر ماجرای بازداشت و محاکمه او هستند، افزوده است که آن‌ها فعلاً اقدامات بلژیک را رصد می‌کنند.

یک سخنگوی دادستانی بلژیک در واکنش گفته است که چنین تهدیدهایی ممکن است اتفاق بیفتد اما این کشور تدابیر امنیتی لازم را اتخاذ می‌کند.

احتمال دارد این تهدید تازه از زبان این متهم به ترور علیه امنیت بلژیک یا اروپا، پلیس بلژیک را بار دیگر وارد پرونده کرده یا بندهای اتهامی دیگری به پرونده کنونی او اضافه کند.

رویترز نوشت: «دیپلمات ایرانی بازداشتی در بلژیک تهدید به تلافی‌جویی کرده است!» دیپلمات ایرانی که به اتهام شرکت در تروریسم در بلژیک بازداشت شده، تهدید کرده چنانچه حکم ناپسندی دریافت کند بلژیک باید منتظر «تلافی گروه‌های ناشناخته» باشند. سند این گفته تهدیدآمیز در اختیار خبرگزاری رویترز قرار گرفته است.

اسدالله اسدی، دیپلمات ایرانی که در بازداشت پلیس بلژیک به سر می‌برد، تهدید کرده است چنانچه برای او حکم ناخوشایندی صادر شود، گروه‌هایی هستند که دست به تلافی خواهند زد. به‌نظر خبرگزاری رویترز، که به متن بازجویی از دیپلمات ایرانی دست یافته، سخنی که او در بازجویی بیان کرده به معنای تهدید مقام‌های بلژیک است.

خبرگزاری رویترز جمعه نهم اکتبر ۲۰۲۰ گزارش داد که اسدی در جریان یک بازجویی در ۱۲ مارس گذشته-۲۲ اسفند ۱۳۹۸ به بازپرسان پلیس بلژیک گفته است «برخی گروه‌ها» روند محاکمه او در بلژیک را زیر نظر دارند و چنانچه حکمی نامطلوب علیه او صادر شود، دست به اقدام خواهند زد. او در نشست یادشده تصریح کرده است که دادگستری بلژیک «درک نمی‌کند چنانچه حکم ناپسندی صادر شود چه پیش خواهد آمد.»

او قرار است ۲۷ نوامبر آینده در بروکسل در برابر دادگاه قرار گیرد.

اسدی که مقیم اتریش و دبیر سوم سفارت ایران در وین است، به اعتقاد مقام‌های امنیتی فرانسه با مأموریت از سوی دستگاه اطلاعاتی حکومت اسلامی ایران در جنوب اروپا فعال بوده است.

او یکی از نخستین دیپلمات‌های ایرانی است که با اتهام تروریسم در قلمرو اتحادیه اروپا محاکمه می‌شود.

اسدی، چهارشنبه ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۰ در بلژیک در برابر دادگاه قرار گرفت.

به گزارش خبرگزاری CNS این نخستین بار است که یک دیپلمات ایرانی به اتهام طراحی عملیات تروریستی در خاک اروپا محاکمه می‌شود. نام این دیپلمات ایرانی اسدالله اسدی است که دو سال پیش بازداشت شد.

یازدهم تیرماه سال ۱۳۹۷-ژوئیه ۲۰۱۸ اسدی در آلمان دستگیر شد. حکم بازداشت او را دولت بلژیک صادر کرده بود و بر اساس قوانین اتحادیه اروپا، این حکم در تمامی کشورهای عضو این اتحادیه لازم الاجرا بود.

دادستانی آلمان بعد از ۹ روز و در بیستم تیرماه اعلام کرد اسدی به یک زوج بلژیکی در «آنتورپ» سفارش بمب‌گذاری در میتینگ سالانه مجاهدین خلق ایران را داده است. دادستانی آلمان همچنین افزود که این دیپلمات ایرانی به زوج بلژیکی-ایرانی وسیله انفجاری حاوی ۵۰۰ گرم ماده انفجاری «استون پروکسید» داده است.

از آن‌جا که یک روز قبل دادستانی بلژیک برای او قرار بازداشت صادر کرده بود، اسدی به مقام‌های بلژیک تحویل داده شد.

ظن پلیس بلژیک این بود که اسدی برای تحویل مواد منفجره به یک زوج ایرانی - بلژیکی ساکن آنتورپ (انور) از راه آلمان به آن کشور سفر کرده است.

زوج یادشده توسط پلیس بلژیک دستگیر شده و در خودروی آن‌ها نیم کیلو مواد منفجره قوی TATP به همراه چاشنی و سیستم انفجاری یافت شده بود.

رسانه‌های بلژیک نام زوج یادشده را امیر سعدونی و نسیم نامی ذکر کرده‌اند. آن‌ها به «طراحی عملیات تروریستی و تدارک حمله تروریستی» متهم شده‌اند.

پلیس امنیتی بلژیک این زن و شوهر را متهم کرد که برای انجام عملیات تروریستی در گردهمایی «شورای ملی مقاومت» عازم ویلپنت، در نزدیکی پاریس، بوده‌اند. بر همین اساس، قرار بازداشت برای اسدی صادر شد.

اسدی هنگامی که با خودروی کرایه‌ای در پمپ بنزینی در اتوبان آلمان توقف کرده بود، بازداشت شد. گفته می‌شود که او در راه بازگشت به محل سکونت خود در اتریش بوده است.

وزارت خارجه حکومت اسلامی ایران به بازداشت اسدالله اسدی اعتراض کرد و آزادی فوری او را به دلیل برخورداری از مصونیت دیپلماتیک خواستار شد.

نام اسدی به عنوان دبیر سوم سفارت ایران در وین ثبت شده است؛ ولی مقام‌های قضائی آلمان اعلام کردند که مصونیت او تنها در درون مرز اتریش دارای اعتبار است و بر همین اساس او را به بلژیک تحویل دادند.

به گفته رسانه‌های جمعی در رابطه با طرح عملیات تروریستی در ویلپنت، نزدیک پاریس، بلژیکی ایرانی‌تبار دیگری به نام «مهرداد عارفانی» نیز دستگیر شده است، که مظنون به همکاری با عملیات یادشده است.

در زمان مطرح شدن گزارش‌ها در خصوص «برنامه‌ریزی حکومت اسلامی ایران» برای کشتن مخالفان در اروپا در تیر ماه سال ۱۳۹۷، شش تن در بلژیک، فرانسه و آلمان در این ارتباط بازداشت شده بودند که دو تن از آن‌ها آزاد شدند.

در آن زمان، اسدالله اسدی، دبیر سوم سفارت ایران در اتریش، در جریان بازگشت به وین پس از یک سفر به جنوب آلمان بازداشت و به بلژیک تحویل شد زیرا حکم جلب او توسط بلژیک صادر شده بود.

اسدی به اتهام تلاش برای رساندن مواد انفجاری به یک زن و شوهر ساکن آلمان، با این هدف که در گردهمایی سازمان مجاهدین خلق در منطقه ویلپن در حومه پاریس منفجر شود، کماکان در بازداشت است و مصونیت دیپلماتیک او نیز لغو شده است.

دادستانی آلمان هم اعلام کرده بود که این دیپلمات ایرانی به زوج بلژیکی - ایرانی وسیله انفجاری حاوی ۵۰۰ گرم ماده انفجاری «استون پروکسید» داده است.

برخی منابع رسانه‌ای گزارش دادند که دادستانی بلژیک در پرونده ادعایی علیه ۴ ایرانی به اتهام تلاش برای اقدام تروریستی، این پرونده را به دادگاه کیفری ارجاع داده است.

۱۱ تیر ماه ۱۳۹۷ بلژیک و اتریش، هم‌زمان با سفر «حسن روحانی» رئیس‌جمهور اسلامی ایران به اروپا، اعلام کردند پنج نفر از جمله یک دیپلمات ایرانی را به ظن تلاش برای بمب‌گذاری در نشست سازمان مجاهدین در پاریس بازداشت کرده‌اند.

این اقدام هماهنگ فرانسه و آلمان و بلژیک به احضار سفرای فرانسه، بلژیک و کاردار آلمان (در غیاب سفیر این کشور) به وزارت امور خارجه ایران منجر شد و در همین خصوص ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۷ سید عباس عراقچی معاون سیاسی وزارت امور خارجه، در دیدار با سفیر فرانسه و کاردار آلمان مراتب اعتراض حکومت اسلامی ایران نسبت به دستگیری دیپلمات ایرانی را اعلام و با تاکید بر مصونیت دیپلمات‌ها بر اساس کنوانسیون وین، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط دیپلمات حکومت اسلامی ایران شده بود.

ژاک راس رییس سرویس اطلاعاتی بلژیک ۲۰ فوریه به دادستان کل این کشور ۲۰ فوریه نوشته است: «پروژه حمله با نام ایران و زیر نظر ایران طراحی شده و این اقدام ابتکار عمل شخصی اسدی نیست.»

او بر اساس نتایج تحقیقات قضائی در ۲۸ ژوئن ۲۰۱۸ بمب تدارک دیده شده برای کارگذاری در محل همایش مجاهدین خلق در «ویلپنت» واقع در شمال شرقی پاریس را در یک پیژا فروشی شهر لوکزامبورگ به یک زوج ایرانی، امیر سعدونی، ۳۸ ساله، و نسیمه نعیمی، ۳۳ ساله، تحویل داده است. این دو تن که آن هنگام در آنتورپ سکونت داشتند، فردای همان روز هنگام سفر به سوی پاریس در بروکسل دستگیر شدند. پلیس در خودروی مرسدس بنز آن‌ها، علاوه بر مواد منفجره یاد شده (۵۰۰ گرم پروکسید استون)، سه تلفن همراه و ۳۵۰۰۰ یورو پول نقد کشف و ضبط کرد.

اسدالله اسدی طراح اصلی این ترور است. این مرد ۴۹ ساله پیش از انتصاب به عنوان منشی سوم سفارت در وین در سال ۲۰۱۴، در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ در عراق دیپلمات بوده است.

روزنامه فرانسوی لوموند در مقاله‌ای برای اولین بار جزییاتی از تحقیقات پلیس بلژیک درباره حمله خنثی شده به گردهمایی سالانه شورای ملی مقاومت در حومه پاریس در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۸ منتشر کرده است. طبق این گزارش، اسدالله اسدی، در زمان بازداشت از همکاری با دستگاه قضایی بلژیک سر باز زد ولی آن‌ها را به انتقام تهدید کرد.

روز ۹ مارس ۲۰۱۹ به رئیس زندان بورن گفته بود که می‌خواهد یکی از مسنولان تحقیقات پرونده را ملاقات کند. اسدی به این مسنول پرونده گفته است اگر که او محکوم شود، «گروه‌های مسلحی» آماده‌اند علیه نیروهای پلیس، شاهدان و سمپات‌های سازمان مجاهدین خلق وارد عمل شوند.

علاوه بر سه فرد یاد شده، شخص دیگری نیز به نام مهرداد عارفانی نیز که در فرانسه دستگیر و به بلژیک مسترد شده است، در این محاکمه در جایگاه متهمان قرار خواهد داشت. بر اساس تحقیقات قضایی، ماموریت او جمع‌آوری اطلاعات در باره شورای ملی مقاومت ایران بوده است.

پاریس که ظاهراً از دست‌داشتن مستقیم ایران در این حمله خنثی شده مطمئن شده بود در اکتبر سال ۲۰۱۸ دارای‌های معاون وزارت اطلاعات ایران سعید هاشمی‌مقدم را مسدود کرد.

بی‌تردید اتهامی که این افراد، از جمله اسدالله اسدی، دبیر سوم سفارت ایران در اتریش با آن روبه‌رو است، اگر در ایران رخ داده بود، مطابق قوانین حکومت اسلامی ایران، «محاربه» و «افساد فی‌الارض» شناخته می‌شد و مجازات آن در صورتی که دادگاه متهم را گناهکار تشخیص می‌داد، اعدام بود.

در زمان دستگیری اسدالله اسدی، «علی ماجدی»، سفیر وقت ایران در آلمان گفته بود اسناد و مدارکی که اروپایی‌ها علیه او در اختیار دارند، به قدری قوی است که رد کردن آن به آسانی ممکن نیست.

اولین بار است که در طول حیات ۴۱ ساله حکومت اسلامی یک دیپلمات آن رسماً به چنین عنوان اتهامی تحت محاکمه قرار می‌گیرد. چزرا که حکومت اسلامی در ترورهای خود اغلب از تروریست‌ها و جاسوسان داخلی و خارجی استفاده می‌کرد و نقش حکومت‌شان در این ترورها را نیز رد می‌کرد. همچنین این رویداد از موارد بسیار نادر در جهان است که مامور رسمی یک دولت خارجی به دلیل اقدام تروریستی، مصونیت خود را از دست می‌دهد. تاکنون اعضای رسمی یک سفارت حکومت اسلامی ددر کی کشور خارجی دستگیر و تحت محاکمه قضایی قرار نگرفته بود.

«منوچهر متکی»، سفیر ایران وقت ایران در ترکیه در اواخر دهه ۱۳۶۰ که بعدها در دولت «محمود احمدی‌نژاد» وزیر امور خارجه شد، از جمله عالی‌ترین مقام‌هایی بود که از محل ماموریت خود اخراج شد. علت اخراج متکی، قتل و ربایش مخالفان سیاسی حکومت ایران بود که در ترکیه زندگی می‌کردند. او در نامه‌ای که در سال ۱۹۹۵ علیه من (بهرام رحمانی) به وزارت کشور ترکیه نوشته به‌حدید غلو و دروغ نوشته بود که دو تیم پلیس مخفی ترکیه (میت) مرا دستگیر کردند و حدود ده ساعت مرا شکنجه کردند تا اقرار کنم اسلحه و گروهم کجاست و کجا می‌خواستیم موسوی را که به ترکیه آمده بود ترور کنیم؟ این‌ها اعاهای سفیر حکومت اسلامی بود. من بعد از ده ساعت شکنجه‌های مداوم بیهوش شدم. حدود یک هفته با شکنجه و پرخاشگری مورد بازجویی قرار می‌گرفتم. قصد داشتند مرا تحویل حکومت اسلامی دهند اما با تلاش فامیل‌های ترکیه‌ام و همچنین با دخالت دفتر کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در ترکیه این امر میسر نشد. اما یک ماه به من وقت دادند تا ترکیه ترک کنم و حق خروج از استانبول را ندارم و هر روز هم باید به شعبه پلیس سیاسی بروم و دفتری را امضاء کنم. نهایت من پس از حدود پنج سال زندگی در استانبول از این کشور اخراج شدم و تا ده سال حق سفر به این کشور را نداشتم.

متکی در تیرماه ۱۳۶۴ با معرفی وزیر امور خارجه و تایید خامنه‌ای ریاست‌جمهوری وقت، به عنوان سفیر حکومت اسلامی ایران به ترکیه اعزام شد. او چهار سال در ترکیه بود و در سال ۱۳۶۸ از ترکیه اخراج شد.

همچنین اکبر گنجی اوایل سال ۱۳۶۶ در دورانی که رضازاده مسنول خانه فرهنگ ایران در آنکارا بود، به عنوان کارمند خانه فرهنگ به ترکیه رفت. پس از رضازاده، مصطفی عرب سرخی و سپس سعید پور عزیزی مسنولان خانه فرهنگ شدند و در دوره آن‌ها اکبر گنجی به کارش در خانه فرهنگ ایران ادامه داد. در آغاز سال ۱۳۶۹، گنجی پس از سه سال به ایران بازگشت. اکبر گنجی که تجربه فعالیت در سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات را در کارنامه خود داشت در پرونده‌سازی علیه پناهندگان سیاسی ایرانی و تهدید آن‌ها با متکی همکاری نزدیکی داشت.

در هر صورت دیپلمات‌ها در همه کشورهای جهان از مصونیت دیپلماتیک برخوردار هستند که آن‌ها را از تعقیب قضایی و محاکمه در کشور محل ماموریت معاف می‌کند. اما این مصونیت تا زمانی اعتبار دارد که ماموران دولتی در کشور خارجی در چارچوب وظایف دیپلماتیک خود عمل کنند. اقدامات کیفری مثل برنامه‌ریزی یا ارتکاب به قتل و یا بمب‌گذاری و تلاش برای ترور به‌طور کامل خارج از حیطه وظایف یک دیپلمات است و موجب لغو مصونیت او می‌شود.

در زمان دستگیری اسدالله اسدی، «علی ماجدی»، سفیر وقت حکومت اسلامی ایران در آلمان، گفته بود اسناد و مدارکی که اروپایی‌ها علیه او در اختیار دارند، به قدری قوی است که رد کردن آن به آسانی ممکن نیست.

اینک اسدالله اسدی، دبیر سوم پیشین سفارت حکومت اسلامی در اتریش، در بلژیک محاکمه می‌شود بدون این که مانند زندان‌های حکومت اسلامی زیر شکنجه اعتراف اجباری از او گرفته شود. او طی زمان دستگیری تا پایان مراحل دادگاه، «حق دسترسی به وکیل انتخابی» دارد، با بیرون زندان در تماس است و در صورتی که نیاز به خدمات پزشکی داشته باشد، کمک‌های ضروری پزشکی از او دریغ نمی‌شوند.

با وجود تمام حقوقی که متهم دارد، در صورتی که او شکایتی از وضعیت خود داشته باشد، این امکان را دارد تا به نهادهای قضایی بین‌المللی خارج از بلژیک شکایت کند و بلژیک هم نمی‌تواند به استناد «مستقل بودن ساختار قضایی» این کشور، اسدی

را از طلب کمک حقوقی از مراجع بین‌المللی محروم کند یا بابت این کار، علیه وی پرونده‌سازی کند؛ اقداماتی که در حکومت اسلامی به وفور رواج دارد.

این ماجرا به ایجاد تنش در روابط میان ایران و فرانسه منجر شد و پاریس در پی پایان ماموریت سفیر خود در تهران در اواسط تابستان امسال، تا کنون از انتصاب سفیر جدید خودداری کرده است. فرانسه همچنین براساس نتیجه تحقیقات قضایی انجام گرفته، در ۳ اکتبر گذشته، وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ایران را به تدارک طرح بمب‌گذاری متهم کرد و دارایی‌های دو مامور اطلاعاتی تهران در فرانسه را مسدود نمود.

وزارت امور خارجه آمریکا، در گزارشی، زیر عنوان «ترورها و فعالیت‌های تروریستی ایران در بیرون از مرزها»، اعلام کرده است: حکومت اسلامی ایران در طی ۴ دهه گذشته، در اقدامات و حملات تروریستی در بیش از ۴۰ کشور جهان نقش داشته است. در این گزارش که روز جمعه دوم خرداد منتشر شد، به اقدامات حکومت اسلامی ایران پس از انقلاب بهمن ۵۷ اشاره شده است.

در گزارش وزارت امور خارجه آمریکا، به صراحت به نقش دیپلمات‌های ایرانی در ترورهای خارج از کشور اشاره شده و تاکید شده است: ماموران دیپلماتیک حکومت اسلامی ایران، بارها در ترورهای خارج از کشور نقش داشتند و این موضوع در احکام دستگیری، تحقیقات پلیس و بررسی‌های قضایی، گزارش‌های اطلاعاتی و گزارشات شاهدان عینی مشهود است.

تروریسم یکی از موضوعات مورد مناقشه جدی جهان است که هر روز ابعاد بیش‌تری به‌خود می‌گیرد. تروریسم به قتل و آسیب‌رسانی به فرد یا گروهی از افراد با اهداف سیاسی اطلاق می‌شود. ویژگی قتل سیاسی این است که شخص قاتل با قربانی مسئله شخصی ندارد بلکه قاتل اجراکننده خطی است که از طرف تصمیم‌گیرندگان سیاسی به او داده شده است.

حکومت اسلامی ایران در طی بیش از چهار دهه صدها نفر از مخالفان خود را در داخل و خارج ایران به شیوه ترور به قتل رسانده است.

پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی همواره بحث تروریسم و نقش این حکومت در آن موضوع روی میز کشورها و سازمان‌های بین‌المللی بوده است. حکومت اسلامی اگر چه در موضع‌گیری‌های رسمی و علنی صراحتاً از این امر حمایت نکرده است اما در موقعیت‌های مختلف و با زبان دیپلماتیک یا دوپهلوی ابایی از حمایت از آن نداشته است. حمایت مالی و مادی از شبه‌نظامیان در عراق، لبنان، یمن، سوریه و ... را نیز می‌توان از جمله فعالیت‌های تروریستی حکومت ایران در سطح منطقه‌ای دانست.

«اداره حراست از قانون اساسی آلمان» در گزارشی اطلاعات و داده‌های خود را این‌گونه در اختیار اداره‌ها و مراجع آلمانی قرار داده است: «بعد از انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران دستگاه‌های مختلف جاسوسی و ارگان‌های کنترل و تعقیب متعددی تاسیس شد. سه تشکیلات رسمی زیر از مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌آیند:

وزارت اطلاعات و امنیت (MOIS)

سپاه قدس (نیروی نظامی برون مرزی وابسته به سپاه پاسداران)

اداره اطلاعات نظامی» (J2)

در دهه نخست حکومت اسلامی و در راس قدرت حکومت اسلامی خمینی قرار داشت و همه تصمیم‌گیری‌ها در دست او متمرکز شده بود؛ و مقامات رده بعدی از جمله خامنه‌ای، رفسنجانی، اردبیلی، میرحسین موسوی و احمد خمینی مستقیماً فرامین را شخصاً از خمینی می‌گرفتند. اطلاعات نشان می‌دهد خمینی ۱۰ سال به تنهایی در مورد قتل‌های سیاسی تصمیم‌گیری می‌کرد. او شخصاً فتوای ترور صادر می‌کرد. در گزارشی آمده است: اتخاذ تصمیم در در راستای ترور مخالفین سیاسی پروسه اداری مشخصی را طی می‌نماید. «دادستانی کل انقلاب اسلامی» به‌عنوان مدعی‌العموم از «رهبری جمهوری اسلامی» تقاضای صدور «فتوی» یعنی حکم مذهبی نافذ از جانب یک روحانی شیعه دارای درجه اجتهاد، را می‌نماید. چنان‌که رهبر مذهبی در رابطه با حکم اعدام یکی از وزرای زمان شاه به نام منوچهر گنجی در ۱۷ مارس ۱۹۹۳ چنین پاسخ داد: «شخص مذکور مرتد و مفسد مهدورالدم است، به‌علت دشمنی با خدای عزوجل و حضرت خاتم الانبیا(ص) و نسخ فرامین و احکام الهی و ترویج فتنه و فساد در مملکت اسلامی؛ و به‌منظور صیانت اسلام و مسلمین باید ریشه این فاسد سریعاً قطع تا موجب عبرت دیگران شود.» دادستان کل انقلاب بر این اساس فرمایش را بدین شرح صادر می‌کند: «علیهذا در امتثال امر حضرت ولی فقیه مد ظله العالی، که انشاءالله خدای متعال سایه ایشان را بلند نمایند، سوابق مشارالیه مشتمل بر مدارک مضبوطه و به‌دست آمده در مکاتبات سفرای جمهوری اسلامی و برخی از مقامات خارج از کشور، در شورای قضایی اعلم حکام شرع مطرح و مورد بحث و مذاقه قرار گرفت و همگی به اجماع قتل او را از نظر شرعی واجب دانستند.»

ریشهری اولین وزیر اطلاعات خمینی در رابطه با شخص او و سران ۵ گانه حکومت، تصمیمات ترور و آدم‌ربایی را اتخاذ می‌کرد.

کمیته عملیات ویژه بالاترین ارگان مجری عملیات تروریستی حکومت اسلامی است. این کمیته یک معاونت ویژه در وزارت اطلاعات است که به دستور خمینی تشکیل شد. کار آن ربایش، قتل، ترور، شکنجه و دستگیری‌های خاص است. این کمیته از جمله ترور بختیار، حادثه میکونوس، آمیای آرژانتین را صادر کرد. بعد قرار شد در داخل هم کارهایی انجام بدهند. مسعود مولوی عنصر اطلاعاتی سابق حکومت که در آبان ماه ۱۳۹۸ در ترکیه ترور شد در این رابطه گفته بود با پیشنهاد محسن رضایی به خمینی و موافقت او قرار شد پرونده مواد مخدر در کل در دست سپاه پاسداران باشد. این کمیته طبق نظریه فقهی خمینی مبنی بر دفع افسد به فاسد که بر اساس آن می‌شد برای حفظ حکومت اسلامی مثلاً یک شخص کشته بشود به انفجار حرم امام رضا دست زدند. همچنین انفجار رهیویان سیدالشهدای وصال شیراز که در سال ۱۳۷۸ منفجر کردند و ۱۴ نفر کشته و ۲۰۸ نفر زخمی داشته است. یا ترور تاجیک و ترور حاجیان همه از جمله پروژه‌هایی بود که فقط عملیات ویژه آن را انجام می‌داد. این معاونت شکنجه‌گاه رسمی و شکنجه‌گر رسمی دارد و این به معنی آن است که خامنه‌ای دستور آن را داده است. از دیگر نمونه‌های کار این معاونت قتل‌های زنجیره‌ای بود به‌صورتی که در پرونده این قتل‌ها بیش از ۴۰۰ بار اسم معاونت ویژه ذکر شده است. در

زمان قتل‌های زنجیره‌ای این معاونت زیر مجموعه معاونت امنیت بوده است. بازجوهای قتل‌های زنجیره‌ای الان در معاونت ویژه وزارت اطلاعات مشغول به کار هستند. مثل جواد آزاده، مصطفی کاظمی، باوند، عالیخانی که عکس‌های جدید و قدیم آن‌ها نیز موجود است. ترور دانشمندان هسته‌ای و افراد سایبری حکومت اسلامی نیز توسط این معاونت انجام شده است.

پس از جنگ و بحث‌هایی که بر سر سرنوشت سپاه بود از جمله تصمیماتی که گرفته شد اضافه کردن بخش پنجمی به سپاه به نام «نیروی قدس» بود. ۴ بخش قبلی عبارت بودند از سه نیروی هوایی، دریایی و زمینی و نیروی چهارم «مقاومت بسیج». قدس واحدی از سپاه پاسداران است که برای اجرای عملیات ویژه سازماندهی شده است و دومین ستاد و مرکز تروریسم دولتی می‌باشد: «این واحد مسنول امنیت داخلی در بخش‌های نظامی و غیرنظامی، حفاظت افراد، سرکوب قیام‌های مسلحانه (کردها، ناآرامی‌های داخلی) و در خارج از مرزها مسنول حمایت از جنبش‌های اسلامی، اجرای عملیات تروریستی، تهیه‌کننده دانش تکنولوژیک برای سلاح‌های ABC (اتمی، بیولوژیکی و شیمیایی) و تکنولوژی‌های پرتابی (موشک) و خرید قطعات مربوطه لازم و تهیه نمونه سلاح‌های خاص و غیره است.» از آن پس وظایف فعالیت‌های تروریستی و صدور بنیادگرایی به نیروی قدس منتقل شد. فرمانده اول آن پاسدار احمد وحیدی بود. احمد وحیدی برای راه‌اندازی نیروی قدس قدیمی‌ترین و مجرب‌ترین کادرهای اطلاعات سپاه و نیروی قرارگاه رمضان را جدا کرده و به نیروی قدس منتقل نمود. وی همچنین کلیه قرارگاه‌هایی که در سپاه فعالیت برون‌مرزی داشتند را به نیروی قدس منتقل کرد.

محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران در آن زمان در باره نیروی قدس در بدو تأسیس گفت هدف ما از ایجاد نیروی قدس تشکیل «ارتش بین‌المللی اسلامی» است. نیروی قدس نمایندگان در سفارت‌خانه‌های حکومت اسلامی که به حوزه ماموریتش مربوط می‌شود، مانند عراق، سودان، اتریش و آلمان و... دارد. هماهنگی بین نیروی قدس و وزارت اطلاعات در سطح فرمانده قدس با وزیر اطلاعات و معاونت اطلاعات قدس با معاونت اطلاعات خارجی وزارت اطلاعات انجام می‌شود.

هدف‌ها و ماموریت‌های نیروی قدس

الف- تبلیغ و هدایت جریان‌های قشری در کشورهای مختلف و به‌خصوص کشورهای اسلامی.

ب- جذب، آموزش و سازمان دادن و لجستیک «هواداران انقلاب اسلامی» و جنبش‌های «اسلامی» و گروه‌های موسوم به حزب‌الله در خارج ایران.

ج- کسب اطلاعات و به‌ویژه اطلاعات نظامی و استراتژیک.

د- ترور مخالفان نظام و نویسندگان و ناشران و سیاست‌مدارانی که با حکومت اسلامی ضدیت دارند، با همکاری وزارت اطلاعات.

ه- تشکیل «سپاه» انقلاب اسلامی در کشورهای مختلف مانند سپاه ۹ بدر برای عراق و سپاه بوسنی و سپاه ترکیه (سپاه پنجم) و سپاه لبنان (سپاه هفتم) و سپاه آفریقا و سپاه سودان و...

وزارت اطلاعات از ۱۶ معاونت، ۲ سازمان، ۵ اداره مستقل و ۲۷ اداره کل برای هر استان تشکیل می‌شود. از ۱۶ معاونت وزارت اطلاعات ۳ معاونت که از مهم‌ترین آن‌ها هستند تماما و مستقیماً درگیر صدور تروریسم می‌باشند.

معاونت برون‌مرزی دارای پایگاه‌های مرزی است که اصلی‌ترین پایگاه‌های آن در استان‌های خوزستان، کرمانشاه، ایلام، آذربایجان غربی و کردستان هستند.

بودجه وزارت اطلاعات سری و خارج از کنترل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کل کشور است. براساس ماده ۱۵ اساسنامه وزارت اطلاعات مصوب مجلس شورا مورخ ۲۶ مرداد ۱۳۶۲، اعتبارات این وزارتخانه از شمول قانون محاسبات عمومی مستثنی و تابع آیین‌نامه‌ای است که به‌وسیله وزارت اطلاعات و اقتصاد و دارایی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. طبق مصوبه دی‌ماه ۷۳ مجلس رژیم، معادل ۵۰ درصد بهای املاکی که وزارت اطلاعات در راستای انجام ماموریت‌های قانونی خود ضبط می‌کند، تا سقف ۵ میلیارد ریال در اختیار این وزارتخانه قرار می‌گیرد. طبق مصوبه بهمن ۷۴ مجلس، فروش اموال و دارایی مخالفان حکومت در اختیار وزارت اطلاعات است.

وزارت اطلاعات در زمان وزارت فلاحیان حدود ۱۰۰ شرکت در جاهای مختلف دنیا دایر کرد که حداقل ۲۰ شرکت بزرگ آن در کشورهای یمن، زیمبابوه، سوریه، سودان، ایتالیا و... قرار دارد. هدف از آن پوش و محمل تردد و فعالیت‌های مزدوران و تروریست‌های این وزارتخانه به خارج و تامین و انتقال پول به خارج کشور است. این شرکت‌ها با استفاده از اطلاعاتی که در اختیار دارند، تجارت بسیاری از اقلام را در انحصار خود درمی‌آورند و سودهای میلیونی به جیب می‌زنند.

مراکز آموزشی نیروی قدس:

- پادگان آموزشی امام‌علی در تهران میدان تجریش - پادگان با هنر در جاده‌ی چالوس، اطراف سد کرج - پادگان علی آباد قم در اتوبان تهران - قم - پادگان مصطفی خمینی در عشرت‌آباد تهران - پادگان کریت کمپ در ۴۰ کیلومتری جاده اهواز - ماهشهر - پادگان فاتح غنی‌حسینی بین تهران و قم - پادگان غیور اصلی در کیلومتر ۳۰ جاده اهواز - خرمشهر - پادگان ابوذر در قلعه‌شاهین اهواز - پادگان حزب‌الله در ورامین - پادگان آموزشی ایذه - پادگان امیرالمؤمنین در بان‌روشان ایلام - پادگان آموزشی کوثر در جاده دزفول - شوشتر - پادگان امام صادق در قم - مرکز آموزشی لویزان - مرکز آموزشی آبیک - مرکز آموزشی درویش در کیلومتر ۱۸ جاده‌ی اهواز ماهشهر - مرکز آموزش غازان‌چی در سه راهی روانسر - کرمانشاه و کامیاران - دانشگاه بیت‌المقدس قم - مدرسه نواب صفوی در اهواز - آموزشگاه نهان‌د در ۴۵ کیلومتری نهاوند - پادگان آموزشی امام‌علی دو مرکز از مراکز فوق از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. پادگان آموزشی امام‌علی در شمال تهران و پادگان باهنر در حوالی سد کرج در شمال غرب تهران.

به‌دنبال تشکیل سپاه قدس، معاونت آموزشی این نیرو در پادگان امام‌علی واقع در تهران - میدان تجریش انتهای خیابان البرز کوه (محل لشکر سابق گارد شاه در شمال کاخ سعدآباد) مستقر شد.

اولین فرمانده معاونت آموزشی قدس، سرتیپ پاسدار شمس بود. او قبل از این مدت‌ها فرماندهی نیروی ۹ بدر را به‌عهده داشت. پاسدار سرتیپ عروج، معاون پاسدار شمس، به فرماندهی پادگان آموزشی امام‌علی منصوب شد. عروج قبل از این سمت، فرمانده سپاه ویژه حفاظت بود که حفاظت خامنه‌ای را به‌عهده داشت و قبل از آن نیز از فرماندهان سپاه پاسداران در لبنان بود. در سال‌های بعد، پاسدار شمس فرمانده سپاه بوسنی شد و پاسدار عروج با حفظ سمت فرماندهی پادگان آموزشی امام‌علی به فرماندهی معاونت آموزش قدس منصوب شد. فرماندهی این پادگان بعدها به‌عهده پاسدار نوروزی گذاشته شد. نوروزی در سال ۷۶ جای خود را به پاسدار سرتیپ قربانی داد. آموزش‌های این پادگان از نظر نظامی به‌ویژه در زمینه پاراوتزانی و شهری در سطح عالی (ماقبل دوره دافوس) قرار داشت. در این پادگان علاوه بر کادرهای سپاه قدس، افراد غیر ایرانی آموزش می‌بینند. از جمله مواد آموزشی این دانشگاه عبارتند از:

آموزش‌های سیاسی - ایدئولوژیک، انفجار و تخریب، کار با انواع بمب‌ها، شیوه کارگذاری و نحوه‌ی جاسازی آن‌ها، تیراندازی در حین حرکت با ماشین و موتور، کار با سلاح‌های مختلف، کمین و ضدکمین، تعقیب و مراقبت و بدن‌سازی و جنگ تن به تن. «در مورد آموزش غیرایرانیان نیز» خردادماه ۱۳۷۰ یک دوره آموزشی برای غیرایرانیان تمام شد، در این دوره تعداد زیادی از شیعیان کویته دوره دیدند. بر پایه همین آموزش‌ها بود که بعد از ترور بختیار دست‌اندرکاران گفته بودند: «بله، اگر ما این آموزش‌های این‌چنینی را تقویت کنیم، اهرم‌های خوبی در سراسر دنیا خواهیم داشت.»

یکی از فرماندهان سپاه قدس در مورد پادگان آموزشی امام‌علی می‌گوید: «معاونت آموزشی قدس در این پادگان یک دانشگاه جدی اطلاعات تأسیس کرد که ابتدا کادرهای سپاه قدس را آموزش داد و بعد هم نیروهای مبارز کشورهای دیگر را ... مبارزینی که اخیراً در اروپا و ژاپن مترجمین آیات شیطانی و بختیار را ترور کردند تحت فرماندهی عروج در پادگان امام‌علی آموزش دیده بودند.» آموزش تروریست‌ها در پادگان امام‌علی در طول این سالیان بی‌وقفه ادامه داشته است.

سپاه قدس، پادگان باهنر را در سال ۷۲ در جاده چالوس، اطراف سد کرج و در نزدیکی روستای بیلوا در محلی که به باغ سرهنگ مشهور است راه‌اندازی کرد و به‌سرعت به یکی از مهم‌ترین پادگان‌های آموزشی نیروی قدس تبدیل شد. به‌جز اتباع کشورهای آسیای مرکزی که عموماً در پادگان امام‌علی آموزش می‌بینند، آموزش اتباع سایر کشورها که توسط نیروی قدس جذب می‌شوند در این پادگان صورت می‌گیرد.

مسئله مخفی‌کاری و محدود نگاه‌داشتن اطلاعات افراد، در این پادگان به‌شدت رعایت می‌شود. آموزش‌ها طوری سازمان داده شده است که افراد کمترین اطلاعات را از وضعیت یکدیگر کسب کنند، به‌عنوان مثال در سال ۷۴ که هم‌زمان ۱۱ نفر بحرینی در این پادگان آموزش می‌دیدند، چون ماموریت یک تیم ۲ نفره آن‌ها با ۹ نفر دیگر تفاوت داشت، دو سیستم آموزشی کاملاً مجزا برای آن‌ها اختصاص داده بودند تا از حضور یکدیگر در این پادگان مطلع نشوند. قواعد جنگ شهری، اصول مخفی‌کاری، شیوه‌ها و تاکتیک‌های جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی، اسلحه‌شناسی، بدن‌سازی و کار با مواد منفجره و سلاح‌های مختلف در این پادگان آموزش داده می‌شود. علاوه بر این در پادگان باهنر به تروریست‌ها آموزش می‌دهند که در محیط‌های مختلف چگونه ماموریت‌شان را عملی کنند و در صورت دستگیری چگونه اطلاعات خود و به‌خصوص رابطه‌شان را با حکومت اسلامی حفظ کنند. در این پادگان تروریست‌ها علاوه بر آموزش‌های نظامی و تاکتیکی، آموزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک از جمله بخش‌هایی از فقه و اصول حوزه آموزش می‌بینند.

پادگان امام صادق در قم، وابسته به نیروی قدس سپاه و یکی از مراکز آموزش تروریستی این نیرو است. این پادگان در جنب پادگان تیب ۱۷ علی‌ابن ابی‌طالب واقع شده است و با دیوارکشی از این پادگان جدا شده است. در این پادگان کلیه فنون تروریستی همراه با موضوعات بنیادگرایی به عناصر خارجی از جمله مصری‌ها، عراقی‌ها و لبنانی‌ها آموزش داده می‌شود. آموزشگاه نهاوند در ۴۵ کیلومتری نهاوند واقع است و توسط پاسداران اداره می‌شود. در این آموزشگاه عناصر خارجی از جمله لبنانی‌ها و افغانی‌ها جهت ماموریت‌های جاسوسی و تروریستی آموزش می‌بینند.

از ابتدای سال ۶۹ حکومت اسلامی برای جذب مسلمانان اهل سنت، در دفتر خامنه‌ای ارگانی به‌نام مجمع‌التقريب بين المذاهب اسلامی به ریاست اخوان واعظزاده خراسانی تشکیل داد. هم‌زمان خامنه‌ای ارگان دیگری به‌نام مجمع جهانی اهل‌البیت به‌ریاست محمدعلی تسخیری به‌منظور جذب شیعیان سایر کشورها تشکیل داد. در حال حاضر ریاست مجمع‌التقريب را تسخیری و مجمع جهانی اهل‌البیت را علی‌اکبر ولایتی به‌عهده دارند. نیروی قدس به‌منظور آموزش عناصر خارجی با همکاری مجمع‌التقريب بين المذاهب اسلامی، دانشکده بیت‌المقدس را در قم دایر نمود. قبلاً به آن مجتمع بیت‌المقدس و یا آموزشگاه ملل نیز می‌گفتند. فرمانده این مجتمع، پاسدار سرتیپ صادق نژاد از فرماندهان نیروی قدس است. در این دانشکده سرتیپ پاسدار احمد شریفی از فرماندهان تروریستی نیروی قدس که در انفجار خیر عربستان دست داشته است، مستقر می‌باشد. وی رابطه‌ی فعالی با پاسدار سرتیپ احمد شریفی، فرمانده سپاه ششم قدس و از دست‌اندرکاران انفجار خیر در عربستان سعودی، دارد.

مجتمع در دو ارگان سازماندهی شده بود:

مرکز خاتم با مسنولیت شناسایی و جذب نیرو در خارج کشور

مرکز قائم که مسنولیت آموزش (تفرات غیر ایرانی) را به‌عهده دارد که هم آموزش‌های اهل سنت و هم آموزش‌های اهل تشیع را در آن ارائه می‌کنند.

وزارت اطلاعات حکومت اسلامی، برای آموزش‌دادن تروریست‌های غیرایرانی، اغلب از پادگان‌ها و مراکز نظامی سپاه و ارتش استفاده می‌کند. به این صورت که در برخی از پادگان‌های ارتش و یا سپاه یک قسمت مخفی راه می‌اندازد و به تروریست‌های خود در این پادگان‌ها آموزش می‌دهد.

پادگان آموزشی لویزان واقع در منطقه لویزان تهران، مرکز آموزش‌های اطلاعات و ضداطلاعات ارتش است و مربیان آن تماماً از افسران ارشد ارتش می‌باشند. وزارت اطلاعات از این پادگان برای آموزش کادرها و تروریست‌هایش استفاده می‌کند. عاملان ترور کاظم رجوی بخش زیادی از آموزش‌های خود را در این پادگان گذرانده بودند.

مرکز آموزشی شهری آبیگ از سوی وزارت اطلاعات برای مانور و تمرین عملیات تروریستی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مرکز از سال‌ها پیش در یک پادگان تاسیس شده است. شکل ظاهری این پادگان به صورت یک شهر است و در آن خیابان، کوچه، مغازه و منازل (هرچند به صورت نیمه‌ساخته) ایجاد کرده‌اند که شکل ظاهری یک شهر را داشته باشد. مانور عملیات تروریستی را با ایجاد شرایط مشابه محل عملیات، در این مرکز انجام می‌دهند. در این مانورها از جنازه‌های بی‌صاحب به‌عنوان سوژه استفاده می‌کنند. دست‌اندرکاران ترور کاظم رجوی طرح ترور را در همین مرکز بارها تمرین کرده بودند.

مرکز آموزشی درویش وزارت اطلاعات، در پادگان درویش، یک مرکز آموزشی نیروی انتظامی (ناجا)، واقع شده است. این پادگان در کیلومتر ۱۸ جاده‌ی اهواز - ماهشهر می‌باشد. وزارت اطلاعات از سال ۱۳۷۰ برای آموزش دادن سلاح‌های شهری به تیم‌های تروریستی از این مرکز استفاده می‌کند.

نفراتی که وزارت اطلاعات به این مرکز می‌فرستد عموماً در ترکیب‌های دو یا سه نفره هستند. وزارت اطلاعات رابطین مشخصی در این پادگان دارد و عوامل خود را به اسم کوچک و مستعار معرفی می‌کند. نفرات وزارت اطلاعات برای رفت‌وآمد به این پادگان برای این‌که شناخته نشوند از خودروهای فرماندهان پادگان استفاده می‌کنند. تمرکز آموزش افراد وزارت اطلاعات در این پادگان بیش‌تر در روزهای آخر هفته (چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه) است که پادگان بیش‌تر حالت تعطیلی دارد. آسایشگاه، کلاس‌های درس، سالن تیراندازی افراد وزارت اطلاعات از بقیه پادگان مستقل است و از محل‌های مختص به وزارت اطلاعات استفاده دیگری نمی‌شود.

یکی دیگر از مراکز مورد استفاده وزارت اطلاعات برای آموزش تروریست‌های پادگان علی‌آباد ارتش است. این پادگان در اتوبان تهران - قم، ۴۰ کیلومتری قم قرار دارد. وزارت اطلاعات در قسمت انتهایی پادگان منطقه‌ای را با خاکریز جدا کرده است و داخل آن محوطه‌ای برای تمرینات و آموزش‌های وزارت اطلاعات به‌وجود آورده است.

پادگان آموزشی مصطفی خمینی از دیگر پادگان‌های آموزشی مورد استفاده وزارت اطلاعات است. این پادگان در داخل پادگان ولی عصر سپاه پاسداران در عشرت‌آباد تهران واقع شده است. ستاد فرماندهی نیروی هوایی سپاه در پادگان ولی عصر مستقر است. وزارت اطلاعات از پادگان مصطفی خمینی که آن را با دیوارهایی از پادگان ولی عصر جدا کرده است جهت آموزش عناصری استفاده می‌کند که نسبت به ناشناخته‌ماندن هویت‌شان بسیار حساس است. در این مرکز کلیه آموزش‌های نظامی و اطلاعاتی شامل آموزش‌های امنیتی، جاسوسی و ترور و آخرین شیوه‌های شکنجه آموزش داده می‌شود.

وزارت اطلاعات یک پادگان آموزشی به‌نام کریت کمپ در ۴۰ کیلومتری جاده‌ی اهواز - ماهشهر نیز دارد. این پادگان در جنب پادگان حبیب‌اللهی سپاه پاسداران و تحت نظر آن اداره می‌شود. فرمانده این پادگان سیدعباس موسوی است که از افراد گارد جاویدان در زمان شاه بوده است. مربیان اطلاعاتی که در این پادگان به تروریست‌های وزارت اطلاعات آموزش می‌دهند، عمدتاً از تهران به این مرکز می‌آیند.

مرکز آموزش غزان‌چی در نزدیکی پلیس راه غزان‌چی در سه راهی روانسر، کرمانشاه و کامیاران واقع شده است. وزارت اطلاعات از این مرکز برای آموزش تروریست‌های اعزامی به عراق استفاده می‌کند.

پادگان فاتح غنی‌حسینی بین تهران و قم قرار دارد و محل آموزش عناصر خارجی است. پاره‌ای از عوامل حکومت اسلامی در ترکیه که توسط نیروی قدس و وزارت اطلاعات استخدام شده بودند، در این پادگان آموزش دیده‌اند. این تروریست‌ها با همکاری دیپلمات‌های سفارت حکومت اسلامی در ترورهای زیر دست داشته‌اند:

- ترور توران دورسون، روزنامه‌نگار ترک در شهریور ۶۹

- ترور اوغورموجو، روزنامه‌نگار ترک که در بهمن ۷۱ با بمب‌گذاری در اتومبیلش ترور شد.

- ربودن و به قتل عضو مجاهدین علی‌اکبر قربانی در سال ۷۲

پادگان آموزشی غیور در کیلومتر ۳۰ جاده اهواز - خرمشهر قرار دارد و دارای سابقه طولانی در آموزش مزدوران خارجی است. هم‌زمان هم نیروی قدس سپاه و هم وزارت اطلاعات از این مرکز استفاده می‌کنند. این پادگان هم‌چنین یک مقر فرعی در خرمشهر دارد. در حال حاضر نفرات لشکر انصارالحسین ۹ بدر در این پادگان مستقر هستند.

برخی دیگر از مراکز و پادگان‌های تروریستی حکومت اسلامی که نفرات ایرانی و غیرایرانی حکومت در آن‌ها آموزش می‌بینند، به شرح زیر است:

- پادگان ابودر واقع در قلعه‌شاهین اهواز محل آموزش تروریست جهت اعزام به عراق

- مدرسه نواب صفوی در اهواز مورد استفاده آموزش‌های تنوریک

- پادگان حزب‌الله در ورامین مخصوص آموزش تروریست‌هایی که برای عملیات علیه مجاهدین به خاک عراق اعزام می‌شدند.

- پادگان آموزشی ایذه که در نزدیکی شهر ایذه واقع شده است.

- پادگان امیرالمومنین در منطقه‌ای موسوم به بان‌روشان واقع در ۳۵ کیلومتری ایلام، یکی دیگر از مراکز آموزشی تروریست‌هاست. این پادگان متعلق به سپاه ایلام است و بسیاری از عملیات تروریستی در خاک عراق از همین‌جا سازمان داده می‌شود.

- پادگان آموزشی کوثر واقع در جاده‌ی دزفول - شوشتر، یکی دیگر از مراکز آموزش تروریستی حکومت است. حسن درویش از فرماندهان سپاه در این پادگان به تروریست‌ها آموزش می‌دهد.

وزارت اطلاعات و نیروی قدس در مراکز آموزشی خود علاوه بر آموزش عقیدتی، آموزش‌های نظامی و اطلاعاتی نیز به تروریست‌ها می‌دهد. برخی از این آموزش‌های نظامی و اطلاعاتی این مراکز به شرح زیر است:

۱- آموزش نفوذ در مکان‌های مختلف و حساس از قبیل کارخانه‌ها، فرودگاه‌ها، مراکز کامپیوتری و اتاق فرمان کارخانه‌های اسلحه‌سازی.

۲- آموزش نفوذ به جلسات، محفل‌ها و گروه‌های مختلف.

۳- آموزش کار با انواع و اقسام وسایل صوتی و چگونگی ضبط صدای افراد مورد نظر.

- ۴- نقشه‌خوانی، مکان‌یابی و هویت‌شناسی و عکس‌برداری با دوربین‌های مادون قرمز و دوربین‌های معمولی.
 - ۵- آموزش تکنیک‌ها و وسایل ارتباطاتی و مدیریت و کنترل ارتباطات.
- آموزش کار با دستگاه‌های استراق سمع و نحوه‌ی کار گذاشتن و کنترل این دستگاه‌ها.

آموزش تخریب:

- ۱- آموزش کار با تی‌ان‌تی جهت منفجرکردن ماشین‌ها، ساختمان‌ها و پل‌ها.
- ۲- مواد انفجاری پلاستیک جهت کارگذاری تله‌های انفجاری به‌منظور ترور افراد مورد نظر.
- ۳- بمب‌های خمیری جهت جاسازی در محل‌های مناسب به‌منظور تخریب یا ترور.

آموزش خاص ترور:

- ۱- آموزش انواع سلاح‌های انفرادی.
- ۲- آموزش سلاح‌هایی مانند M16 و M12، یوکوف روسی به تیم‌های عملیاتی.
- ۳- آموزش جنگ تن به تن.
- ۴- آموزش شیوه‌های ترور افراد بدون سلاح مانند ترور از طریق شکستن گردن و ضربه‌زدن به نقاط حساس، خفه‌کردن فوری با استفاده از بعضی وسایل ابتدایی و...
- ۵- آموزش عملیات شهری و تمرین روی ماکت‌های عملیاتی.

ایجاد بحران در خارج از مرزهای کشور یا به‌عبارتی صدور بحران به‌چنین حکومتی این امکان را می‌دهد که:

- توجهات را از مشکلات داخلی به سمت یک بحران یا مشکل بزرگتر در خارج جلب کند.
- مشکلات داخلی را ناشی از بحران خارجی دانسته و از خود سلب مسئولیت کند.
- با طرح صورت مسئله بحران بزرگتر، از پاسخ‌گویی به مطالبات داخلی امتناع کند.
- با طرح صورت مسئله بحران بزرگتر، مخالفان داخلی را سرکوب کند و توطئه‌گر نام دهد.
- با طرح صورت مسئله بحران بزرگتر، توجهات را از سرکوب مخالفان به سمت دیگری معطوف کند و آن را بپوشاند.
- در رابطه با نیروهای خودی برای حرکت، انگیزه‌بخشی کند و ظرف مادی، تشکیلاتی و ایدئولوژیک برای تکثیر آن‌ها ایجاد نماید.

خمینی در ۱۴ فوریه ۱۹۸۹ با یک فتوای چند خطی رسماً فتوای قتل یک نویسنده انگلیسی به اسم سلمان رشدی را صادر کرد. خامنه‌ای از اواخر سال ۷۱ از طریق محمدعلی تسخیری رییس روابط بین‌الملل دفترش اقدام به راه‌اندازی اردوگاه‌های آموزشی برای مسلمانان سایر کشورها نمود. با تشکیل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی این اردوگاه‌ها زیر نظر آن سازمان به کار خود ادامه داد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ترورهای سیاسی در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی در مقایسه با ترورهای نامنظم زمان خمینی به دو برابر افزایش پیدا کرد. افزایش قابل توجه ترور در زمان رفسنجانی حاکی از نظرگاه رفسنجانی است که در هفتمین سالروز اشغال سفارت آمریکا در تهران گفت: «در لبنان ضربه‌ای که آمریکا خورد و خفتی که آمریکایی‌ها تحمل کردند عمیقاً به حساب ما می‌گذارد و به حساب ما هم هست.» رفسنجانی رسماً در رسمی‌ترین تریبون حکومت اسلامی (نماز جمعه تهران) از فلسطینیان دعوت کرد که به‌جای هر فلسطینی که کشته می‌شود آن‌ها باید پنج فرانسوی یا آمریکایی بکشند.

خاتمی که در دوره خودش به گفت‌وگوی تمدن‌ها و «تنش‌زدایی» معروف شده بود در مورد سلمان رشدی چنین گفته است: «سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی باید بر اساس حکم شرعی حضرت امام خمینی اعدام شود و هیچ راهی برای گریز وی از اجرای این حکم نیست. شرق و غرب جنایت‌کار به‌ویژه حاکمان انگلیس با توجه به انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی به جهانیان ثابت کردند که تنها با جمهوری اسلامی و امام دشمن نیستند بلکه با دین مبین اسلام و بیش از یک میلیارد مسلمان در سطح جهان نیز دشمن می‌باشند. سکوت حاکمان کشورهای عربی در مقابل انتشار کتاب آیات شیطانی این مسئله را ثابت کرد که آنان فقط در شعار مدافع اسلام و قرآن هستند.» هم‌چنین خاتمی در مقام وزیر تبلیغات خمینی «ریاست بریگاد مستقل ترور» را برعهده داشت.

خلخال قاضی شرع منصوب خمینی در مصاحبه با روزنامه کیهان ۱۴ مه ۱۹۷۹ چنین گفت: «کسانی که بعد از انقلاب اسلامی کشور را ترک نموده‌اند جنایت‌کاران واقعی محسوب می‌شوند و سزای آن‌ها مرگ است.»

علی فلاحیان وزیر اطلاعات حکومت اسلامی ۳۰ اوت ۱ در مصاحبه با بی‌بی‌سی: «... گروهک‌ها ... مجبور شده‌اند مثل یک دزد از کشور فرار کنند. ما کوچک‌ترین خللی در مبارزه با آن‌ها بخود راه نمی‌دهیم. ما قدرت آن را داریم که آن‌ها را تعقیب و فعالیت‌هایشان را به‌طور مداوم در خارج از کشور تحت نظارت و مراقبت داشته باشیم... از موفقیت‌های دیگر ما وارد آوردن ضربات کاری به گروهک‌های خراب‌کار در خارج از کشور و نقاط مرزی می‌باشد...»

محسن رفیق‌دوست وزیر وقت سپاه پاسداران نیز در تیرماه سال ۷۰ اعلام کرد: «در پیروزی انقلاب در لبنان و در خیلی از جاهای دنیا، آمریکا ضرب شست ما را بر پیکر منحوس خودش احساس می‌کند و می‌داند آن مواد منفجره‌ی که با آن ایدئولوژی ترکیب شد و در مقر تفنگدارهای دریایی چهارصد افسر و درجه‌دار و سرباز را یک‌مرتبه به جهنم فرستاد، هم تی ان تی آن مال ایران بود و هم ایدئولوژی از ایران رفته بود. این برای آمریکا بسیار محسوس است، فلذاست که در خلیج فارس درمانده شده.»

محسن رضایی فرمانده سابق سپاه نیز گفت: «... روزی جرعه‌های خشم و نفرت (مسلمانان) در دل واشینگتن زبانه می‌کشد و مسئولیت عواقب آن نیز بر عهده آمریکا است... روزی خواهد رسید که در هیچ جای این دنیا یهودیان نیز مانند سلمان رشدی نتوانند خانه‌ای برای سکونت پیدا کنند.» (کیهان، ۲۹ مهر ۱۳۷۰)

به این ترتیب اسلامی از همان روزهای به قدرت رسیدنش تهدید و ترور و اعدام را به عنوان اهرم‌های جدی برای سرکوب مخالفانش چه در داخل کشور و چه در خارج کشور به کار انداخت. ترور زندانیان آزاد شده از زندان با اشکال مختلفی از جمله تصادف‌های ساختگی، حمله به زندانیان سیاسی توسط باندهای زندانیان خطرناک و به قتل رساندن آن‌ها از جمله زندانی سیاسی علیرضا شیرمحمدعلی که در زندان فشافویه در سال ۱۳۹۸ توسط دو زندانی خطرناک و با ضربه‌های چاقو به قتل رسید، از بین بردن زندانیان سیاسی و امنیتی تحت عنوان خودکشی که نمونه‌های زیادی از آن‌ها در میان دستگیرشدگان قیام دی ماه ۱۳۹۶ اتفاق افتاد از جمله سینا قنبری، وحید حیدری و همچنین کاووس سید امامی استاد جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق در زندان اوین، زهرا بنی‌یعقوب، ابراهیم لطف‌الهی، ولی‌الله فیض مهدوی عضو سازمان مجاهدین خلق ایران و حتی خود سعید امامی شکنجه‌گر و طراح قتل‌های زنجیره‌ای و بسیاری از ترورهای وزارت اطلاعات را می‌توان از همین سری برشمرد.

اما تروریسم به عنوان وسیله‌ای برای سرکوب، اکثر قربانیانش را در خارج از کشور گرفته است. حکومت اسلامی در سال ۶۱ تیپ «محمد رسول‌الله» متعلق به سپاه پاسداران را به لبنان اعزام کرد؛ و بعد از پایان ماموریت این تیپ یک سپاه ویژه به نام سپاه لبنان شامل ۲۰۰۰ پاسدار تشکیل داد و در لبنان مستقر کرد. این سپاه که مرکز فرماندهی آن در دمشق است، بعد از تشکیل نیروی قدس در سال ۶۹ تحت فرماندهی آن درآمد.

این شیوه از تروریسم حکومت اسلامی همچنین توسط وزارت اطلاعات اجرا می‌شود. مذاکره و چانه‌زنی حول گروگان‌های خارجی در لبنان یکی از کارهای وزارت اطلاعات بود. یکی از مسئولان این مذاکرات سعید امامی است.

در بهمن ماه سال ۱۳۶۶ سعید امامی با رونالد دوما وزیر خارجه سابق فرانسه که آن موقع مشاور رییس‌جمهور بود در ژنو ملاقات می‌کند. شاهد C در دادگاه می‌کونوس تصریح می‌کند در فوریه ۸۸ بهمن ۶۶ به اتفاق سعید امامی با دوما در ژنو ملاقات کردیم موضوع مذاکرات آزادی گروگان‌های فرانسوی در لبنان بود ... مذاکرات سعید امامی با مقامات آلمانی در مورد گروگان‌های این کشور در لبنان در مرداد ماه ۶۷.

شاهد C می‌گوید به همراه امامی به آلمان مسافرت کرده و با سیاستمداران (حزب سوسیال دموکرات) به نام‌های ویگل و اپلر ملاقات کرده است.

تصمیم به تقویت گروه‌های بنیادگرا در کشورهای مختلف نیز جزیی از همین سیاست است که در شورای عالی امنیت گرفته می‌شود. به عنوان مثال به نمونه زیر اشاره می‌شود:

در فروردین ۷۴ در مرکز پژوهش‌های علمی وزارت خارجه جلسه‌ای به ریاست صریح‌القلم رییس مرکز پژوهش‌های علمی وزارت خارجه و مشاور سیاسی شورای عالی امنیت ملی تشکیل شد. موضوع این جلسه مقابله با فشارهای بین‌المللی روی حکومت با استفاده از جنبش‌های اسلامی (بنیادگرا) بود. در این جلسه لغو قرارداد کوناکو توسط آمریکا، لغو قرارداد نفتی حکومت با آذربایجان به خاطر فشار آمریکا به کشور آذربایجان، مسئله دامن‌زدن به اختلاف ایران و امارات بر روی سه جزیره، مسئله نیروگاه‌های اتمی و قرارداد با روسیه بحث شد و به عنوان انتقاد و اشکال مطرح گردید که اگر در گذشته حمایت کافی از جنبش اسلامی در آذربایجان به عمل آورده بودیم می‌توانستیم با استفاده از این جنبش‌ها مانع قرارداد آمریکا با آذربایجان بشویم و به دنبال آن طرح کمک به جنبش آذربایجان را نتیجه گرفتند. در این اجلاس رابطه حکومت اسلامی با شیعیان بحرین به عنوان یک نقطه مثبت مورد بررسی قرار گرفت که گفتند با این جنبش می‌توان آن‌ها (کشورهای خلیج فارس) را وادار کنند امتیازات مورد درخواست نظام را به آن‌ها بدهد. در مورد چندین گروه اسلامی حامی نظام در بقیه کشورها نیز در این جلسه بحث شد و نتایج آن به شورای عالی امنیت ملی ارائه شد. شورای عالی امنیت به دنبال این گزارش به وزارت اطلاعات و نیروی قدس ماموریت داد که جریانات بنیادگرا را تقویت کند که به دنبال آن در ماه‌های خرداد، تیر، مرداد و شهریور ۷۴ چند دوره‌ی فشرده آموزشی برای نیروهای بنیادگرا از چند کشور عربی و اسلامی گذاشت.

تروریسم در حکومت اسلامی بنا بر گفته ناظران به ماهیت و اهداف برپایی این حکومت برمی‌گردد. آن‌ها استناد می‌کنند: در مقدمه قانون اساسی تحت عنوان ارتش مکتبی می‌خوانیم: «ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب ... نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود.

در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» که توسط یکی از دست‌اندرکاران باسابقه سیاست خارجی حکومت اسلامی نوشته شده، می‌خوانیم: «مسلمین یک مجموعه هستند که باید زیر چتر یک حکومت زندگی کنند و تمامی سرزمین آن‌ها به وسیله‌ی حکومتی واحد اداره شود و دارای یک سیاست خارجی باشند تا دفاع از کیان اسلام و حفظ منافع مسلمین تحقق پیدا کند.»

بنا به برخی آمارهایی که مخالفان حکومت اسلامی، منتشر کرده‌اند این حکومت، بیش از ۲۰۰ عمل تروریستی علیه مخالفان در خارج ایران انجام داده است. این آمار جدا از عملیات تروریستی حکومت اسلامی علیه اتباع و اماکن خارجی است.

شایان ذکر است که تروریسم در ایران به شکل مضحک‌تری نیز در جریان است. برای مثال احمد حمزه، نماینده اصلاح‌طلب کهنوج، در نطق علنی روز اول بهمن ۱۳۹۸ خود در مجلس وحوش شورای اسلامی، برای قتل دونالد ترامپ رییس‌جمهور آمریکا، سه میلیون دلار جایزه نقدی تعیین کرد. این اظهارات در یک تریبون رسمی حکومت اسلامی، به سرعت در رسانه‌های جهان با تیتراژ «یک نماینده مجلس ایران برای سر ترامپ پاداش می‌دهد» انعکاس یافت. واشینگتن بلافاصله از این تهدید، برای اثبات آن چه که آن را «ماهیت تروریستی بودن جمهوری اسلامی» می‌خواند، بهره‌برداری سیاسی کرد.

حمزه این موضع را در واکنش به کشته‌شدن قاسم سلیمانی با دستور مستقیم دونالد ترامپ اتخاذ کرده است. این در حالی است که قاسم سلیمانی فرمانده سابق سپاه قدس نیز ترامپ را قمارباز خوانده و تهدید کرده بود، «در جایی که نمی‌دانی نزدیک شما هستیم، خودم حریف شما هستم.»

حمزه اعلام کرد که همه کرماتی‌ها سرباز حاج قاسم هستند و اگر همه ما شهید شویم هیچ ابایی نداریم و به نیابت از مردم کرمان گفت: «برای هر کس که ترامپ را به قتل برساند سه میلیون دلار جایزه نقدی می‌دهیم.»
تهدیدهایی از این جنس، از سوی مقامات ارشد حکومت اسلامی، فرماندهان نظامی یا چهره‌هایی مانند حسن عباسی که خود را کیسینجر اسلام معرفی می‌کند، سابقه‌ای طولانی دارد.

در طول چهار دهه گذشته، این تهدیدهای فراتر از رجزخوانی‌های سیاسی متداول و استفاده از زبان لومپنیسم و فرهنگ تجاوز و ترور در مقابل واقعیت‌های جهان خارج، هزینه‌های سنگینی برای جامعه ایران به بار آورده است.
خامنه‌ای، رهبر حکومت ترور و وحشت و تجاوز اسلامی در آبان ماه ۱۳۹۲، اسرائیل را «رژیم نامشروع»، «حرام‌زاده»، و «سگ‌ها منطقه» خواند. او دو سال بعد، ادعا کرد که اسرائیل ۲۵ سال دیگر را نخواهد دید.
اما در سال‌های اخیر، عملاً اسرائیل ضربات سنگینی به نیروهای طرفدار حکومت اسلامی در سوریه وارد کرده و نشان‌دهنده بی‌عملی و ناتوانی حکومت اسلامی در برابر اسرائیل است. بنابراین سران و مقامات حکومت اسلامی فقط حرف‌های مفت می‌زنند.

در زمان اوج تنش‌ها بین تهران و واشینگتن پس از به‌حالت رسیدن پاسدار تروریست قاسم سلیمانی توسط تروریسم دولتی آمریکا، حکومت اسلامی با فریادهای «انتقام و انتقام» با اطلاع قبلی چندین موشک به پایگاه‌های آمریکاییان در عراق شلیک کرد و چند ساعت بعد پدافند هوایی سپاه با شلیک دو موشک این انتقام واقعی از هواپیمایی مسافری اوکراین گرفت و عمداً ۱۷۶ انسان بی‌گناه را کشت.

۱۸ دی ۱۳۹۸؛ ساعاتی پس از حمله موشکی نیروی هوافضای سپاه پاسداران به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد یک فروند هواپیمای بونینگ اوکراینی دقیقی پس از پرواز از فرودگاه خمینی در نزدیکی تهران سقوط کرد و ۱۷۹ سرنشین آن جان باختند. از دقیق ابتدایی این ماجرا برخی رسانه‌ها گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال هدف قرار گرفتن این هواپیما مطرح کردند. مسئولان سازمان هواپیمایی ایران ابتدا به تکذیب احتمال برخورد موشک با هواپیما پرداختند و سرانجام بیانیه ۲۱ دی ستاد کل نیروهای مسلح واقعیت ماجرا را روشن کرد.

در این حادثه تکان‌دنده از میان ۱۷۹ سرنشین و خدمه این هواپیمای مسافری که تمامی آن‌ها جان باختند، ۱۴۷ نفر ایرانی و ۳۲ نفر از اتباع کشورهای کانادا، اوکراین، سوند، افغانستان و انگلستان درگذشتند.

در این بیانیه پنج‌بندی ستاد کل نیروهای مسلح پرتاب موشک به هواپیمای مسافری را چنین توجیه کرد: «بر اثر بروز خطای انسانی و به‌صورت غیر عمد، هواپیمای مسافری اوکراینی مورد اصابت قرار گرفته که متأسفانه موجب به‌شهادت رسیدن جمعی از هموطنان عزیز و جان باختن تعدادی از اتباع خارجی شد.»

بعد معلوم شد که اولین موشک هواپیما سرنگون نکرده و دومین موشک آن را ساقط کرده است.
حکومت اسلامی هنوز نه اطلاعات جعبه سیاه این هواپیما را اعلام کرده و نه خسارتی به خانواده‌های جان‌باختگان پرداخته است. در آبان ماه سال گذشته نیز نیروهای انتظامی - امنیتی به دستور مستقیم علی خامنه‌ای، ۱۵۰۰ معترض به گرانی و فقر و سرکوب را در خیابان‌های شهرهای مختلف ایران کشتند.

هم چنین بنا به گزارش رسانه‌های ایران، تعدادی از مردم در خاک‌سپاری سلیمانی در کرمان به دلایل نامعلومی جان خود را از دست دادند.

در جریان مراسم خاکسپاری جنازه قاسم سلیمانی در کرمان، حدود ۸۰ نفر جان باختند و ۲۱۲ نفر نیز بر اثر ازدحام جمعیت، مصدوم شدند.

روزنامه «شهروند» در شماره روز چهارشنبه دوم بهمن خود با انتقاد از به‌حاشیه رفتن این اتفاق نوشت: «جان افراد و شهروندان عادی و بی‌پناه در سیاست رسمی جایگاه تعریف شده و بالایی ندارد.»

این روزنامه حکومتی، افزود: «خانواده‌ها و بازماندگان حادثه کرمان دوبر عزار و دچار مصیبت شدند. یک‌بار برای از دست دادن عزیزان شان، یک‌بار هم برای این همه بی‌توجهی و به‌حاشیه‌راندن آنان.»

خبرگزاری دولتی ایرنا هم، در گزارشی اعلام کرد نمایندگان مجلس نمی‌دانند چه کسی مسئول برگزاری این مراسم بوده است. مجلس هم در این زمینه کمیته‌ای تشکیل داده، اما تاکنون نتیجه بررسی‌های آن منتشر نشده است.

به این ترتیب، جنازه گردانی پاسدار سلیمانی نیز باعث قتل انسان‌ها گردید پاسداری که چهل سال مشغول فرماندهی جنگ و کشتار و ترور و قاچاق اسلحه و مواد مخدر بود و...

ناگفته نماند که لیست ترورهای حکومت اسلامی بسیار بلند بالاست و بسیاری از ترورهای این حکومت به دلیل مخفی‌کاری و یا چشم بستن دولت‌ها علنی نشده است. برای مثال قتل رافق تقی نویسنده و روزنامه‌نگار جمهوری آذربایجان که به‌عنوان یکی از منتقدان تفسیر از اسلام نیز از وی نام برده می‌شود، مقابل منزلش در شهر باکو هدف ضربات چاقوی فردی یا افرادی ناشناس قرار گرفت و ۴ روز بعد (۲ آذر ۱۳۹۰) در بیمارستان درگذشت.

آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۸۵، یک سال پیش از مرگ خود، با صدور فتوایی رافق تقی، نویسنده سرشناس آذربایجان را به دلیل انتشار مقاله‌ای «توهین‌آمیز» مستحق مرگ دانسته بود.

مبنای صدور فتوای قتل رافق تقی از سوی آیت‌الله فاضل لنکرانی مقاله‌ای با عنوان «اروپا و ما» بود که در نشریه «صنعت» (هنر) منتشر شده بود. رافق تقی در این مقاله با مقایسه اسلام و مسیحیت، از مسیحیت دفاع کرده و هویت آذربایجان در زمینه فرهنگی، فلسفی و اخلاقی را نزدیک به اروپا معرفی کرده بود.

آیت‌الله لنکرانی در فتوای خود نوشته بود: «چنین شخصی چنانچه مسلمان‌زاده باشد با اعترافات مذکور مرتد است و چنانچه کافر بوده از مصادیق ساب‌النبی است و در هر صورت بر فرض چنین اعترافاتی قتل او بر هر کسی که به او دسترسی داشته باشد لازم است. مسئول روزنامه مذکور که چنین افکار و عقایدی را با علم و توجه منتشر می‌کند نیز مشمول همان حکم است.»

آیت‌الله فاضل لنکرانی علاوه بر نویسنده مقاله، ناشر مجله‌ای که آن را منتشر کرده بود را نیز مستحق قتل دانسته بود. وی پیش از مرگ خود احتمال دخالت ایران در این سوءقصد را تأیید کرده بود. هنوز بسیاری از سنوآل‌ها پیرامون مرگ این نویسنده منتقد اسلام بی‌پاسخ است.

روزنامه‌های دولتی این کشور خیر درگذشت این نویسنده منتقد اسلام را بدون تفسیر منتشر کردند، اما رسانه‌های مستقل و وابسته به اپوزیسیون آذربایجان به دست داشتن عوامل «ایران» در این سوءقصد اشاره می‌کنند.

استف بلوک، وزیر امور خارجه هلند در نامه‌ای به پارلمان نوشته است که سرویس اطلاعاتی این کشور «شواهدی محکم در دست دارد که نشان می‌دهد ایران در ترور دو شهروند ایرانی‌تبار هلندی در سال ۲۰۱۵ در شهر آلمیره و در سال ۲۰۱۷ در لاهه دست داشته است».

بلوک در این نامه که وزیر کشور هلند هم آن را امضا کرده نوشته «این افراد از مخالفان حکومت ایران بودند... هلند این احتمال را در نظر دارد که ایران در آماده‌سازی و مأموریت دادن برای انجام این قتل‌ها و انجام حمله در منطقه اتحادیه اروپا دست داشته است».

پیش از این پلیس هلند اعلام کرده بود که علی معتمدی ۵۶ ساله در سال ۲۰۱۵ در شهر المیره در مرکز هلند به قتل رسیده و احمد ملانیسی، ۵۲ ساله در سال ۲۰۱۷ در لاهه کشته شده است.

این وزرای هلندی گفته‌اند که توصیه این کشور در تصمیم تازه اتحادیه اروپا علیه وزارت اطلاعات ایران موثر بوده است. در ماه ژوئن سال ۲۰۱۸ هلند دو نفر از کارکنان سفارت ایران را در ارتباط با این قتل‌ها از خاک هلند اخراج کرد.

روزنامه سوئدی آفتون‌بلادت اطلاع داده است یک مرد ۴۶ ساله به اتهام جاسوسی و همکاری با دستگاه‌های اطلاعاتی حکومت اسلامی ایران از هفت ماه پیش در بازداشت پلیس امنیتی سوئد قرار دارد.

بر پایه اطلاعاتی که در اختیار این روزنامه قرار گرفته است این فرد در ارتباط با طرح چندین ترور در اروپا بازداشت شده است. هویت این فرد اعلام نشده اما به نوشته این روزنامه، او تقریباً ۱۰ سال پیش از ایران خارج شده است و اکنون تابعیت سوئدی دارد. به نوشته این روزنامه این فرد به عنوان یک روزنامه‌نگار آشنا به زبان عربی در سوئد کار می‌کرده است.

در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۸، پلیس امنیت دانمارک به یک ملک در جزیره زلاند حمله کرد. در طی این عملیات، پل Öresund بسته شد. بعداً، مقامات دانمارکی اظهار داشتند که در این پرونده، برنامه‌های حمله از سرویس اطلاعاتی حکومت ایران علیه (یک مخالف این حکومت) در دانمارک متوقف شده است. در همین مورد، یک مرد نروژی در ۲۱ اکتبر در گوتنبرگ دستگیر شد که مظنون به جاسوسی پناهندگان و آماده شدن برای قتل بود که بعداً به دانمارک استرداد شد.

اواخر مهرماه سال ۱۳۹۷، رسانه‌ها از دستگیری شخصی به‌نام محمد داوودزاده لولونی به اتهام طرح‌ریزی ترور رهبر جنبش عربی الاحوازیه خبر دادند. بعد از آن، در ژانویه ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا، بخشی از سرویس اطلاعاتی حکومت اسلامی ایران را تحریم کرد و بحث‌ها پیرامون شدت گرفتن ترورهای برون‌مرزی ایران همچنان ادامه دارد، هرچند ایران این اتهام‌ها را رد می‌کند. محمد داوودزاده بعد از آن به‌صورت زمینی به یوتبری (گوتنبرگ) سوئد باز می‌گردد، در حالی‌که همچنان زیر نظر پلیس امنیت دانمارک و موساد است. تا آن‌که در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۸-۲۹ مهرماه ۹۷ وقتی قصد سفر به دانمارک را داشت، در فرودگاه دستگیر شد.

یک روز پس از این دستگیری، ساموئل اندرسون، وزیر خارجه دانمارک، در یک کنفرانس خبری گفت که این مرد به جرم مشارکت در برنامه‌ریزی برای ترور یک فعال سیاسی در خاک دانمارک و فعالیت برای سرویس یک کشور خارجی، دستگیر شده است.

در آن زمان، روزنامه‌های دانمارک به نقل از دو کارشناس خاورمیانه نوشته بودند که مشخص نیست کدامیک از ۱۶ اداره و دفتر اطلاعاتی حکومت اسلامی ایران مسئول این طرح ترور بوده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد که سپاه پاسداران مسئول باشد. به‌گفته آن کارشناسان، دو اداره اطلاعاتی در ایران بزرگ‌تر و فعال‌ترند: یکی وزارت اطلاعات دولت و آن دیگری اطلاعات سپاه پاسداران که این دو اداره با هم همکاری‌های برون‌مرزی ندارند.

البته همان‌طور که چند ماه بعد وزیر خارجه دانمارک اعلام کرد، در واکنش به این برنامه‌ریزی ترور، اتحادیه اروپا «وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ایران» را تحریم کرد.

واقعیت این است که ماشین ترور حکومت اسلامی ایران در دهه اول انقلاب تا تاکنون به‌شدت فعالیت می‌کرد و تنها در مواقعی، فعالیت آن فروکش کرده است. پس از ماجرای رستوران میکونوس در آلمان، قوه قضاییه این کشور برای نخستین بار قاطعانه در مقابل این ترورها ایستاد. دادگاه میکونوس علی‌خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی، علی‌فلاحیان، وزیر اطلاعات وقت ایران، علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه سابق و علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس‌جمهوری وقت را به دخالت در این ماجرا متهم کرد. در آن زمان این‌گونه ترورها به‌شدت جریان داشت. اما بعد از آن هم از بین نرفت و در سال‌های آینده هم تداوم داشت. اما به‌نظر می‌رسد آن زمان حکومت اسلامی به دلایل اقتصادی و مصلحت سیاسی به اروپا قول دادند که این ترورها را در خاک اروپا انجام ندهند ولی ترورها در جایی که قلمرو اتحادیه اروپا به حساب نمی‌آمد، از جمله در کردستان عراق، ترکیه یا مثلاً در آرژانتین که واقعه یهودی‌تباران آرژانتین به‌وجود آمد، ادامه یافت. هم‌زمان در خود اروپا هم اگر می‌توانستند به شکلی ترور کنند که ترور سیاسی محسوب نشود، قطعاً سعی خود را می‌کردند. شواهدی در دست است که در آن سال‌ها افرادی ترور شدند که بعدی نیست ترور سیاسی بوده باشد.

خمینی بیان‌گذار حکومت اسلامی، از همان روزهای نخست به قدرت رسیدنش و در بحبویه سرکوب انقلاب مردم، تروریسم را نیز علنی داد و در این سال‌ها با فتوای مخفی او و سایر آیت‌الله‌های حکومتی تعداد بی‌شماری از مخالفین سیاسی، فرهنگی و

هنری و حتی شهروندان عادی را در داخل و خارج از ایران کشته‌اند و علیه سلمان رشدی و شاهین نجفی فتوای قتل صادر کرده‌اند.

تعیین جایزه برای ترور ترامپ، همانند شعار «انتقام بزرگ» از آمریکا توسط خامنه‌ای، ادعایی پوچ و بی‌معنی و دروغ است. اما این ادعاهای کاذب، غیر از این که باز هم جامعه ایران را در معرض خطرات بیش‌تری قرار دهند معنی دیگری ندارد.

برخی صاحب‌نظران علوم سیاسی در سال‌های اخیر معتقدند که نقش دولت‌ها در ارتکاب و انجام فعالیت‌های تروریستی اگر بیش‌تر از گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی نباشد، کم‌تر از آنان هم نیست.

بر اساس جدیدترین تعریفی که این کارشناسان ارائه می‌دهند، فعالیت تروریستی فعالیتی خشونت‌آمیز، عامدانه و با انگیزه‌های سیاسی است.

در هیچ یک از پنج پیمان‌نامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم اصطلاح «تروریسم دولتی» به رسمیت شناخته نشده و حتی محکوم هم نشده است.

از سوی دیگر حقوق بین‌الملل هم «تروریسم دولتی» را جرم‌انگاری نکرده و اساساً آن را به‌عنوان عملی مجرمانه به رسمیت شناخته است. به این ترتیب طبیعی است که کشورها در معرفی و شناسایی کشورهای دیگر به‌عنوان تروریست به شدت محافظه‌کارانه برخورد کنند و نهایتاً یکدیگر را به دخالت در امور داخلی یکدیگر یا حمایت از گروه‌های تروریستی متهم کنند. گروه‌هایی که اگرچه تروریست‌های دولت‌محور هستند، اما دولت‌های حامی‌شان، دولت‌های تروریستی شناخته نمی‌شوند.

در واقع حکومت اسلامی ایران از همان روزهای نخست به قدرت رسیدنش کلیه جنایت‌های تاریخی از دوران بربریت بشر تا قرون وسطا و همچنین قرن بیست و یکم را به کار گرفته تا مخالفین خود را به هر بهایی سر به نیست کند و به همین دلیل پشت سر هم مرتکب جنایت علیه بشریت می‌شود! تنها سرنگونی کلیت این حکومت جانی و تبه‌کار می‌تواند آرامش به جامعه ایران و حتی منطقه برگرداند!

لازم به تأکید است که ترور مخالفان در رفتار سیاسی پیامبر اسلام نیز وجود دارد و حکومت اسلامی ایران نیز که هم‌اوا تلاش است با سرمشق قرار دادن رفتار محمد پیامبر اسلام و آیات قرآن مبادرت به ترور مخالفان خود می‌کند. خود پیامبر نیز در موارد متعددی دستور ترور مخالفان سیاسی خود را صادر کرده است. برای مثال، «کعب بن اشرف یهودی»، شاعری بود که با سرودن اشعار به قول امروزی‌ها به شیوه مدنی و مسالمت‌آمیز با پیامبر مخالفت می‌کرد، ولی پیامبر اسلام تحمل شنیدن صدای مخالف را نداشت و فتوای قتل و ترور او را صادر کرد و برای کشتن او از یاران خود داوطلب خواست. شخصی به نام محمد بن مسلمه اعلام آمادگی کرد و سپس به‌عنوان مهمان به خانه آن شاعر نگون‌بخت رفت و او را سر برید.

پنج‌شنبه بیست و چهارم مهر ۱۳۹۹ - پانزدهم اکتبر ۲۰۲۰

ضمیمه:

لیست اسامی برخی از ترورهای حکومت اسلامی ایران در داخل و خارج ایران:

۱- ۳۰ بهمن ۱۳۵۷، ارسطو سیاح کشیش کلیسای انگلیکن مقابل دفتر کارش در شیراز با ضربات چاقو به قتل رسید. پس از قتل او، اموال کلیسای انگلیکن از سوی جمهوری اسلامی توقیف شد. کلیسای انگلیکن که خدمات خود را به زبان کشور مقصد ارائه می‌دهد از سوی حکومت اسلامی در رده «کلیساهای مروج افکار انحرافی» ارزیابی شده است.

۲- ۳ خرداد ۱۳۵۸، محمد موحد از فعالان جامعه بهانی شیراز و بعدتر تهران، در خیابانی در تهران ربوده شد و از آن زمان ناپدید شده است. او پیش‌تر چندین بار برای بازپرسی به کمیته‌ی انقلاب احضار شده بود. حکم بازداشت موحد ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ از طرف دادستان کل انقلاب صادر شده بود.

۳- ۲۰ آبان ۱۳۵۸، دکتر علیمراد داودی منشی محفل ملی بهانیان ایران و استاد فلسفه دانشگاه تهران در حال قدم زدن در محوطه پارک لاله از سوی سرنشینان یک اتومبیل جیب ربوده شد و از آن زمان ناپدید شده است. در آن زمان، جز اتومبیل‌های دولتی، اتومبیل دیگری نمی‌توانست وارد محوطه‌ی پارک شود. دکتر داودی چند روز پیش از ربوده شدن تلفنی تهدید شده بود.

۴- ۱۶ آذرماه ۱۳۵۸، شهریار مصطفی شفیق افسر ارشد پیشین ارتش و پسر اشرف پهلوی هنگام خروج از منزل مادرش در پاریس به ضرب گلوله کشته شد. صادق خلخالی که پیش‌تر در بیانیه‌ای شهریار شفیق را به «تدارک تجدید جریان ۲۸ مرداد به‌منظور تجزیه‌ی کشور» متهم کرده بود در بیانیه‌ای اعلام کرد حکم اعدام شفیق اجرا شد.

۵- ۱۳ دی ۱۳۵۸، روحی روشنی منشی محفل بهانیان تهران هنگام بازگشت از دفتر محفل به منزل خودش ربوده شد. در این روز، ماموران امنیتی به منازل تعدادی از بهانیان در تهران هجوم بردند، روحی روشنی که در یکی از این منازل بود بازداشت نشد اما ساعاتی بعد و در مسیر بازگشتش به منزل از سوی سرنشینان یک اتومبیل ربوده شد. تاکنون اطلاعاتی از او به دست نیامده است.

۶- ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۸، شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق محمد واحدی و حسین جرجانی از رهبران کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن را پس از شکنجه‌های بسیار به قتل می‌رسانند. پیکر آن‌ها در ۱۲۵ کیلومتری جاده بجنورد زیر یک پل یافته شد. صادق خلخالی در کتاب خاطراتش تأکید کرده که او دستور کشتن این ۴ رهبر ترکمن را داده است.

۷- ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹، بهرام دهقانی تفتی فرزند اسقف حسن دهقانی، مسنول وقت کلیسای اسقفی خاورمیانه (که از ایران خارج شده بود)، در حالی که از تدریس در کالج دماوند باز می‌گشت ربوده شد و به قتل رسید. او را در اتومبیلش در یکی از خیابان‌های خلوت حوالی زندان تهران با شلیک گلوله به سرش کشتند. بهرام دهقانی پیش‌تر چند بار احضار شده بود و از او خواسته بودند پدرش اسقف حسن دهقانی را برای بخشیدن اموال کلیسا به حکومت راضی کند و در غیر این صورت تنبیه خواهد شد.

۸- ۲۴ تیر ۱۳۵۹، سید جواد ذبیحی که به دلیل مداحی و مناجات خوانی در رادیو ایران مدتی پس از انقلاب زندانی شده بود، پس از آزادی از زندان از خانه‌اش ربوده شد و به شیوه‌ی دردناکی به قتل رسید. صادق خلخالی در کتاب خاطراتش نام سید جواد ذبیحی را در فهرست کسانی آورده که شخصاً دستور کشتن‌شان را داده بود.

۹- ۳۱ تیر ۱۳۵۹، علی‌اکبر طباطبایی وابسته مطبوعاتی و سخنگوی سفارت ایران در آمریکا در دوران حکومت پهلوی، مقابل خانه‌اش در مریلند آمریکا با شلیک ۳ گلوله کشته شد. داود صلاح‌الدین که اکنون ساکن ایران است برای ۵ هزار دلار دستمزد طباطبایی را به قتل رساند. صلاح‌الدین پس از بسته شدن سفارت ایران در واشنگتن، به‌عنوان محافظ در دفتر حافظ منافع حکومت اسلامی در واشنگتن مشغول به کار شده بود.

۱۰- ۱۳ مرداد ۱۳۵۹، مسعود صالحی‌راد و طیب نجم‌الدینی هر دو دانشجوی پزشکی و از اعضای سازمان پیکار، ۵ صبح از سوی ماموران گشت کمیته‌های انقلاب یا سپاه پاسداران در تبریز ربوده شدند. دو ساعت بعد، چوپانی پیکر این دو جوان ۲۱ ساله رشتی و ۲۲ ساله سنندجی را در نزدیکی جاده‌ی اهر در دو کیلومتری تبریز پیدا کرد.

۱۱- ۲۲ دی‌ماه ۱۳۵۹، دکتر منوچهر حکیم عضو محفل روحانی ملی بهانیان در مطب خود با گلوله‌ای که به سرش شلیک شد به قتل رسید. به همسر او که در آن زمان در فرانسه به سر می‌برد توصیه شد که به ایران باز نگردد. مقامات حکومتی ادعا کردند که در این قتل دست نداشتند اما تنها سه روز بعد از قتل دکتر منوچهر حکیم، دستور دادند منزل مسکونی و تمامی دارایی‌های او مصادره شود.

۱۲- ۳۰ مرداد ۱۳۵۹، عبدالحسین تسلیمی، ابراهیم رحمانی، منوهر قائم مقامی، یوسف قدیمی، کامبیز صادق زاده، هوشنگ محمودی، عطاءالله مقربی، بهیه نادری، حسین نجی، یوسف عباسیان و حشمت الله روحانی نه عضو محفل ملی بهانیان ایران و دو همکارشان با هجوم ماموران دادستانی به منزلی که در آن نشست محفل روحانی برگزار شده بود بازداشت و ربوده و از آن تاریخ ناپدید شده‌اند. در پیگیری خانواده‌ها و در جریان دیدار با رئیس وقت مجلس، اکبر هاشمی رفسنجانی وعده پیگیری داد و چند روز بعد خبر داد این یازده نفر را ماموران با حکم قانونی بازداشت کرده‌اند اما تا پایان مراحل بازپرسی ممنوع الملاقات هستند. خبری که کمتر از یک ماه بعد از سوی او تکذیب شد.

۱۳- ۲۴ دی ۱۳۶۰، شاهرخ میثاقی دانشجوی فدائی اقلیت و از سازمان دهندگان تظاهرات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در ماتیل پایتخت فیلیپین در جریان تظاهرات مخالفان حکومت اسلامی با ضربات چاقو و ساپور به قتل رسید.

۱۴- ۱۸ خرداد ۱۳۶۱، شهرام میرانی دانشجوی کرد فدائی اقلیت در علیگره هندوستان با ضربات چاقو و قمه کشته شد. پلیس هند تعدادی از مظنونان به قتل میرانی را همان زمان بازداشت کرد. رفسنجانی مرداد همان سال در سفرش به هندوستان تهدید کرد در صورت آزاد شدن مظنونان که از طرف سفارت حمایت حقوقی می‌شدند قرارداد سنگ آهن کودرومخ با هند را لغو خواهد کرد. این مظنونان پس از بازگشت رفسنجانی از سفر، آزاد شده و به ایران بازگشتند.

۱۵- ۷ مهر ۱۳۶۱، عبدل امیر راهدار از فعالان دانشجویی شناخته شده سازمان پیکار در بنگلور هندوستان حین تظاهرات مخالفت با حکومت اسلامی با ضربات چاقو و ساپور کشته شد. راهدار پس از ایفای نقش موثر در راه‌انداختن یک تظاهرات اعتراضی بزرگ علیه سیدعلی خامنه‌ای، در سفرش به هند به‌عنوان رییس‌جمهور، هدف قرار گرفت.

۱۶- ۱۹ بهمن ۱۳۶۱، اسفندیار رحیمی فعال جنبش دانشجویی چپ در تظاهرات مخالفت با حکومت اسلامی در ماتیل پایتخت فیلیپین با ضربات چاقو کشته شد.

۱۷- ۷ شهریور ۱۳۶۲، احمد ذوالانوار عضو سازمان مجاهدین خلق در کراچی در حالی که با مجاهد دیگری در حال قدم زدن بود از سوی یک موتورسوار زیر گرفته شد و ۹ روز بعد در بیمارستانی در کپنهاگ درگذشت. به نوشته نشریه مجاهدین، روز ترور از سفارت جمهوری اسلامی با بیمارستان کراچی تماس گرفته می‌شود تا از مرگ احمد ذوالانوار اطمینان پیدا کنند. نشریات پاکستانی همان زمان انجام ترور را به مأموران حکومت اسلامی نسبت دادند.

۱۸- ۱۸ بهمن ۱۳۶۲، غلامعلی اویسی از فرماندهان ارتش در زمان پهلوی و برادرش غلامحسین اویسی لحظاتی پس از ترک منزل و در پیاده‌رو مقابل خانه تیمسار اویسی در منطقه ۱۶ پاریس از سوی دو سرنشین اتومبیلی که کنار آنان توقف کرده بود از ناحیه‌ی سر هدف قرار گرفتند و کشته شدند. گروه لبنانی جهاد اسلامی، به رهبری عماد مغنیه مسئولیت این ترور را برعهده گرفت.

۱۹- ۱۱ خرداد ۱۳۶۴، سروان بهروز شاهوردی‌لو از افسران پیشین ارتش در استانبول ترور شد. نام‌های سروان بهروز شاهوردی‌لو و سرهنگ هادی عزیز مرادی در گزارشی از قتل‌های سیاسی در روزنامه حریت ۱۶ بهمن ۷۱ به نقل از سلیمان دمیرل، نخست‌وزیر وقت ترکیه، همچون نمونه‌هایی از ترورهای حکومت اسلامی در ترکیه آمده است.

۲۰- ۱۸ خرداد ۱۳۶۴، میر منوچهر (میر مولاداد سردار زهی) از نمایندگان پیشین مجلس ملی ایران و رییس طایفه‌ی دشتیاری در مسیر مسجد به منزلش در کراچی از سوی سه مهاجم با شلیک گلوله ترور شد. امان الله مبارکی یکی از مهاجمان بعداً در درگیری با پلیس پاکستان کشته شد اما دو مهاجم دیگر ناشناس مانده‌اند.

۲۱- ۲ دی ۱۳۶۴، سرهنگ هادی عزیزمرادی از افسران پیشین واحد معروف به کلاه سبزهای ارتش در برابر آپارتمان مسکونی‌اش در آنکارا با شلیک گلوله ۳ مهاجم کشته شد. سرهنگ مرادی که پس از کودتای نوزده به‌عنوان یکی از طراحان این کودتا تحت تعقیب قرار گرفته بود، به ترکیه پناه برده بود.

۲۲- ۲۸ مرداد ۱۳۶۵، بیژن فاضلی فرزند رضا فاضلی بازیر منتقد حکومت اسلامی در نتیجه انفجار بمبی که برای کشتن پدرش در فروشگاهش در کنزینگتون لندن کار گذاشته بودند کشته شد. انفجار بمب باعث فروریختن فروشگاه دو طبقه و کشته شدن فاضلی شد. تحقیقات بعدی نشان داد یکی از اعضای سپاه پاسداران این بمب را آنجا کار گذاشته است.

۲۳- ۲ آبان ۱۳۶۵، سرهنگ احمد حامد منفرد افسر پیشین ارتش و عضو «نهضت مقاومت ملی» بختیار در استانبول و در صف سوار شدن به اتوبوس به رگبار بسته شد و کشته شد. در نتیجه تیراندازی که ساعت ۹:۳۰ صبح به وقت محلی رخ داد سه شهروند ترک هم که در صف اتوبوس کنار سرهنگ حامد ایستاده بودند، کشته شدند.

۲۴- ۲۶ دی ۱۳۶۵، علی‌اکبر محمدی خلبان پیشین سفرهای رفسنجانی و فوتبالیست سابق پس از گذاشتن دخترش در مهدکودک در خیابانی در مرکز شهر هامبورگ با شلیک شش گلوله به سر و سینه‌اش ترور شد. مهاجمان که دو مرد جوان بودند پای پیاده از محل ترور گریختند. محمدی ۲۱ مرداد ۱۳۶۵ با یک هواپیمای آموزشی فالکون به عراق گریخته بود و پس از مدتی به آلمان غربی پناهنده شده بود.

۲۵- ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۶، حمید رضا چیتگر (بهمنی) عضو دفتر سیاسی حزب کار ایران (توفان) در وین ترور شد. پلیس پیکر متلاشی شده‌ی او را که از پشت دو گلوله به مغزش شلیک شده بود ۲۶ تیر، یعنی دو ماه پس از قتلش، در آپارتمانی در وین کشف کرد. بنا بر تحقیقات پلیس اتریش، یک مامور حکومت اسلامی با پاسپورت ترکی وارد اتریش شده و آپارتمان را برای سه ماه اجاره کرده بود.

۲۶- ۱۷ تیر ۱۳۶۶، علیرضا حسن‌پور شفیع‌زاده و فرامرز آقایی (عکایی) دو عضو سازمان مجاهدین خلق در نتیجه حمله هم‌زمان چندین مهاجم با نارنجک و خمپاره‌انداز و شلیک گلوله به ۱۳ خانه‌ی مختلف در کراچی و کوئته پاکستان کشته شدند. در نتیجه این حملات دست‌کم ۱۹ نفر زخمی شدند و یکی از مهاجمان هم کشته شد. حمله اندکی پس از اعلام موجودیت حزبی طرفدار خمینی در پاکستان صورت گرفت که رهبرش اعلام کرده بود که مخالفت با رهبر ایران تحمل نخواهد شد. به‌گفته پلیس پاکستان نه نفر در این رابطه بازداشت شدند که از اعضای سپاه پاسداران ایران بودند.

۲۷- ۳ مرداد ۱۳۶۶، سرگرد خلبان حسن منصور و دیپلمات عراقی بهمن فاضل در خانه‌ای در منطقه دورت لوند استانبول هدف گلوله‌های دو مهاجم قرار گرفتند و کشته شدند. بررسی کالیبر گلوله‌ها مشخص کرد این دو نفر با شلیک همان تفنگی کشته‌اند که سرهنگ هادی عزیزمرادی با آن به قتل رسیده بود. به استناد منبعی دیگر، سرگرد منصور برای هماهنگی انتقال اعضای خانواده یک خلبان دیگر ایرانی به استانبول رفته و در زمان ملاقات با این خانواده هدف قرار گرفت. محمد حسن منصور ۱۳ اسفند ۱۳۶۰ با یک فروند اف ۴ از ایران گریخته و در عربستان فرود آمده بود.

۲۸- ۱۹ مرداد ۱۳۶۶، سرگرد احمد مرادی طالعی خلبان پیشین ارتش در حالی که به همراه همسرش در حال قدم زدن در یک پارک نزدیک هتل ایدلوایز در ژنو بود، با شلیک یک تک تیرانداز کشته شد. خلبان فریدون علی مازندرانی می گوید چند روز پس از ترور، برای تأیید هویت سرگرد مرادی ویدیوی لحظه و چگونگی ترور او را در دفتر کارش در تهران به او نشان داده‌اند. خلبان مرادی که ۱۱ شهریور ۱۳۶۵ با یک فروند اف ۱۴ ایرانی به خاک عراق گریخته بود، کمتر از یک سال بود که مقیم سوئیس شده بود.

۲۹- ۱۰ مهر ۱۳۶۶، محمدعلی توکلی نبوی و فرزندش نورالدین توکلی در آپارتمان خود در ویلمی لندن در اتاق پذیرایی و اتاق خواب جداگانه هدف چند گلوله یک اسلحه دارای صدا خفه‌کن قرار گرفتند و کشته شدند. محمد علی توکلی نبوی ۵۸ ساله که گروهی عمدتاً خانوادگی مخالف حکومت اسلامی را تأسیس کرده بود به‌طور منظم در هاید پارک لندن علیه روح‌الله خمینی سخنرانی می‌کرد. مردی پس از حمله با خیرگزاری رویتزر تماس گرفته و مسئولیت حمله را از طرف گروهی به نام پاسداران انقلاب اسلامی و به‌عنوان «سربازان امام خمینی» به‌عهده گرفته و اعلام کرده بود رضا پهلوی را هم خواهند کشت.

۳۰- ۷ آذر ۱۳۶۶، بهروز باقری از فرماندهان پیشین نیروی هوایی در نتیجه انفجار بمبی که در فروشگاهش در پاریس کار گذاشته شده بود کشته شد. در منبعی دیگر زمان کشته شدن سرتیپ باقری ۱۹ مرداد ۱۳۶۶ ذکر شده است.

۳۱- ۲ آذر ۱۳۶۷، دکتر کاظم سامی روانپزشک و از بنیان‌گذاران جنبش انقلابی مردم ایران (جاما)، نخستین وزیر بهداشت پس از انقلاب و نماینده مجلس اول از تهران، زمانی که در مطب خود منتظر ویزیت آخرین بیمار بود به قتل رسید. سامی با ضربات کارد بر سر و سینه و دستش سلاخی شد. رفسنجانی در خاطرات خود قتل دکتر سامی را ترور خوانده است.

۳۲- ۱۶ آذر ۱۳۶۷، سرهنگ دلشاد تهرانی مشاور امنیتی وقت وزیر کشور که مسئولیت یافتن قاتل دکتر سامی به او سپرده شده بود در دفتر کارش به شیوه مشکوکی کشته شد. علت مرگ او آن زمان خودکشی اعلام شد اما برخی ناظران معتقدند تهرانی به سرخ‌هایی از قاتلان دکتر سامی رسیده بود و به اطلاعاتی در مورد این قتل دست یافته بود و به همین خاطر به قتل رسید.

۳۳- ۲۳ تیر ۱۳۶۸، دکتر عبدالرحمان قاسملو دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، عبدالله قادری آذر عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دموکرات و دکتر فاضل رسول، از اساتید کرد دانشگاه وین، در شهر وین و بر سر میز مذاکره صلح با نمایندگان حکومت اسلامی به دست ماموران اطلاعاتی ایران به قتل رسیدند. محمد جعفری صحرارودی یکی از مذاکره‌کنندگان حاضر در آن جلسه که همان‌جا زخمی می‌شود اکنون رئیس دفتر لاریجانی رییس مجلس ایران است.

۳۴- ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، سرهنگ عطاالله بای‌احمدی سرهنگ ارتش شاهنشاهی و عضو رهبری سازمان درفش کاویانی در اتاق هتلش در دبی با شلیک دو گلوله به سرش کشته شد. بای‌احمدی پیش‌تر با اکبر کبیری آرانی از ماموران اطلاعاتی در ترکیه ملاقات کرده بود. کبیری در نقش یکی از مسئولان فاسد زندان اوین در ترکیه از بای‌احمدی پول گرفته بود تا ترتیب آزادی زندانیان هوادار درفش کاویانی را بدهد. کبیری بعداً درخواست می‌دهد در دبی با بای‌احمدی و منوچهر گنجی رهبر درفش کاویانی ملاقات کند. گنجی نمی‌رود و بای‌احمدی سه ساعت پس از رسیدن به هتل کشته می‌شود.

۳۵- ۴ شهریور ۱۳۶۸، بهمن جوادی (غلام کشاورز) عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران. سخنگوی فدارسیون سراسری شوراهای پناهندگان ایرانی که برای دیدار خانواده‌اش به نیکوزیا در قبرس رفته بود مقابل چشمان مادر، برادر، همسر و دو فرزندش در یکی از خیابان‌های لارناکای قبرس با شلیک چند گلوله ترور شد. مقامات سوئدی به پلیس قبرس در مورد ضرورت حفاظت از کشاورز خبر داده بودند. مقامات اطلاعاتی ایران در جریان سفر مادر و خواهر کشاورز به قبرس بوده و آن‌ها را زیر نظر داشته‌اند.

۳۶- ۱۳ شهریور ۱۳۶۸، صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومه‌له و مسئول پیشین شورای انقلاب سنجندج در مقر مرکزی حزب کومه‌له در اطراف شهر رانیه در اقلیم کردستان عراق از سوی فردی نفوذی ترور شد.

۳۷- ۲۷ بهمن ۱۳۶۸، حاجی هادی بلوچ خان شهبخش، از بزرگان طایفه شهبخش و از فعالان سلطنت‌طلب بلوچ در شهر تفتان پاکستان هدف قرار گرفته و کشته شد. گفته شده است حاج بلوچ‌خان محافظ داشته است و ماموران امنیتی با همکاری دو نفر از اعضای طایفه خودش موفق شده‌اند ترور را برنامه‌ریزی و اجرا کنند.

۳۸- ۲ فروردین ۱۳۶۹، کریم محمدزاده پناهنده و فعال سیاسی عضو حزب دموکرات کردستان ایران در آپارتمان خود در شهر نینس‌هامن در جنوب استکهلم کشته شد. بر اساس داده‌های ارائه شده در فیلم مستند سال ۲۰۰۳ اسکار هیدین، فیلم‌ساز سوئدی، رضا تسلیمی مامور امنیتی ایرانی عامل این ترور بود اما با وجود شناسایی از سوی راننده تاکسی محلی و تعقیب از سوی پلیس محلی، از سوی سرویس امنیتی سوئد بازداشت و بدون دادگاهی شدن به ایران دیپورت شد.

۳۹- ۴ اردیبهشت ۱۳۶۹، دکتر کاظم رجوی نخستین سفیر پس از انقلاب ایران در دفتر ژنو سازمان ملل و عضو شورای ملی مقاومت ایران نزدیک خانه‌اش در دهکده کویه در حومه ژنو هدف ۶ گلوله قرار گرفت و کشته شد. رجوی پس از این‌که سیروس نصری سفیر وقت ایران در دفتر ژنو سازمان ملل در جمع به او گفته بود که او را به‌خاطر گزارش‌اش از شکنجه در زندان‌های ایران ترور می‌کنند، از پلیس ژنو درخواست حفاظت کرده بود. پلیس سوئیس محسن شریف اصفهانی و احمد طاهری را به ترور دکتر رجوی متهم می‌کند و این دو در فرانسه بازداشت می‌شوند اما فرانسه با ارجاع به منافع ملی آن دو را به جای استرداد به سوئیس به ایران دیپورت می‌کند.

۴۰- ۲۴ تیر ۱۳۶۹، علی کاشف‌پور از اعضای رهبری حزب دموکرات کردستان - رهبری انقلابی در ترکیه ترور شد. سه نفر مسلح با لباس پلیس ترکیه وارد خانه علی کاشف‌پور در شهر قونیه ترکیه شده و او را به زور و با ضرب و شتم با خود می‌برند. فردای آن روز پیکر کاشف‌پور که به‌خاطر شکنجه بسیار، دفرمه شده بود در جاده قونیه به آنکارا پیدا می‌شود.

۴۱- ۱۵ شهریور ۱۳۶۹، عفت قاضی دختر قاضی محمد و کنشگر سیاسی مقیم سوئد در نتیجه انفجار بمبی که در پاکت نامه جاسازی شده بود در شهر وستروس سوئد کشته شد. بمب برای ترور همسر وی امیر قاضی از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران، به آدرس آن‌ها ارسال شده بود. اسکار هیدین در فیلم مستندش شواهدی از انجام این ترور به دست ماموران امنیتی ایرانی به دست می‌دهد.

۴۲- ۱ آبان ۱۳۶۹، دکتر سیروس الهی از بنیان‌گذاران سازمان درفش کاویانی و استاد پیشین علوم سیاسی دانشگاه ملی ایران در سرسرای ساختمان محل سکونتش در پاریس با شلیک شش گلوله به سر و بدنش به قتل رسید. بعدتر دادگاهی فدرال در آمریکا، ایران را مسئول ترور دانست و حکم داد که از محل دارایی‌های مسدود شده‌ی ایران در آمریکا ۱۲ میلیون دلار غرامت به بازماندگان دکتر الهی که تابعیت ایرانی/آمریکایی داشتند پرداخت شود.

۴۳- پانیز ۱۳۶۹، سید خسرو بشارتی از چهره‌های مذهبی که در مورد برخی از باورهای شیعه همچون زیارت و شفاعت، نظرات انتقادی داشت، برای ادای پاره‌ای توضیحات به اداره اطلاعات در تهران احضار شد و پس از رفتن به آن اداره، بازداشت شد. مدتی بعد، پیکر سیدخسرو بشارتی در جاده‌ی کن سولقان در حالی پیدا شد که گلوله‌ای به مغزش شلیک شده بود.

۴۴- ۲۹ فروردین ۱۳۷۰، عبدالرحمن برومند رئیس هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران مقابل آسانسور منزل مسکونی خود در پاریس با ضربات کارد به قتل رسید.

۴۵- ۱۵ مرداد ۱۳۷۰، شاپور بختیار و منشی وی، سروش کتیبه در خانه مسکونی بختیار در حومه پاریس به دست فریدون بویراحمدی، محمد آزادی و علی وکیلیراد کشته شدند. در حکم دادگاه فرانسه در مورد این پرونده گفته شده که سازماندهی این جنایت از تهران انجام شده بود. وکیلیراد چند روز پس از ترور بازداشت شد و در فرانسه به حبس ابد محکوم شد اما پس از ۱۹ سال از زندان آزاد شد و در ایران از او همچون یک قهرمان استقبال شد.

۴۶- ۱۶ مرداد ۱۳۷۰، جواد مهرانی قاچاقچی اسلحه در پاریس کشته شد. بنا به گفته برخی از منابع در پلیس فرانسه مهرانی که در تلاش خرید هلیکوپتر جنگی از شرکت فرانسوی (Aérospatiale) برای حکومت بود به دلیل اطلاع از جزئیات ترور بختیار از سوی همان تیم ترور به قتل رسید.

۴۷- ۱۴ خرداد ۱۳۷۱، علی اکبر قربانی نیکجه عضو سازمان مجاهدین خلق در محله شیشلی استانبول زمان سوار شدن به اتومبیلش ریوده شد و به شیوه دردناکی به قتل رسید. ۹ بهمن ۷۱ پیکر قربانی در حالی کشف شد که ناخن‌هایش را کشیده بودند، بینی و آلت تناسلی‌اش بریده شده بود و طنابی دور گردنش بود. شعبه ۱۱ دادگاه امنیتی آنکارا که برخی از عوامل مرتبط با ترورهای سیاسی در ترکیه را که سال ۱۳۷۹ بازداشت شده بودند دادگاهی می‌کرد در ۲۶ آذرماه ۱۳۸۴ حکم داد که حکومت اسلامی ایران مستقیماً در ترور برخی روشنفکران لائیک ترکیه و مخالفان سیاسی خود از جمله علی‌اکبر قربانی در ترکیه دست داشته است. چاغرچی یکی از محکومان این دادگاه در اعترافاتی که در مطبوعات ترکیه بازتاب یافت گفت که علی اکبر قربانی را ربوده و در یک خانه امن به ماموران وزارت اطلاعات تحویل داده است و آن‌ها او را مثله کرده بودند.

۴۸- ۱۶ مرداد ۱۳۷۱، فریدون فرخزاد شاعر، خواننده و برنامه‌ساز رادیو و تلویزیون و فعال سیاسی اپوزیسیون را مأموران جمهوری اسلامی در محل سکونتش در شهر بن آلمان با کارد آجین کردند. قاتلان «شکمش را دریدند و زبان و گوش و دماغش را بریدند.»

۴۹- ۲۶ شهریور ۱۳۷۱، دکتر صادق شرفکندی، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، همایون اردلان نماینده این حزب در آلمان، فتح عبدلی نماینده حزب در اروپا و نوری دهکردی کارمند صلیب سرخ مقیم آلمان در رستوران میکنونوس در برلین آلمان ترور شدند. دادگاهی در آلمان، کاظم دارابی، مأمور وزارت اطلاعات و ۴ لبنانی همکار او را در این ترور مجرم شناخت به زندان محکوم کرد. در این دادگاه مسنولان وقت جمهوری اسلامی ایران یعنی هاشمی رفسنجانی رییس‌جمهور وقت حکومت اسلامی ایران، علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت، علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه وقت و سید علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی ایران متهم به زمینه‌سازی ماجرای میکنونوس شدند.

۵۰- ۶ دی ۱۳۷۱، سرگرد عباس قلی‌زاده از افسران سابق گارد شاهنشاهی و اعضای سازمان درفش کاویانی را در استانبول ۵ نفر مقابل چشمان همسرش به زور سوار یک اتومبیل کرده و می‌ربایند و آن‌چنان که بعداً مشخص شد به قتل می‌رسانند. سرگرد قلی‌زاده محافظ سرهنگ بای احمدی بود هنگامی که برای دیدار با کبیری به ترکیه سفر کرده بود. سرگرد قلی‌زاده پس از کشته شدن بای احمدی در دبی توانسته بود کبیری را از روی عکس شناسایی کند. اواخر بهمن ۱۳۷۴ محمت علی بلیچی رهبر گروه بنیادگرای عمل اسلامی در دادگاه اعتراف کرد که در قابل دریافت ۳۷ هزار و ۵۰۰ دلار دستمزد سرگرد قلی‌زاده را دزدیده و تحویل ماموران اطلاعاتی ایران داده است و آن‌ها هم پس از بازجویی و شکنجه او را به قتل رسانده‌اند.

۵۱- ۱۸ اسفند ۱۳۷۱، هیبت‌الله نارونی و دلاویز نارونی از رهبران قبیله نارونی بلوچستان مقابل منزل خود در کراچی پاکستان با شلیک گلوله به سرشان کشته شدند.

۵۲- ۲۵ اسفند ۱۳۷۱، محمد حسین نقدی عضو و نماینده شورای ملی مقاومت در ایتالیا در حالی که عازم محل کارش بود در میدان آلبا در شهر رم با شلیک دو مهاجم که سوار بر یک موتور و مسلح به کلت و یوزی بودند کشته شد. تیرماه ۷۵ دادستانی رم از سفارت حکومت اسلامی ایران خواست مصونیت دیپلماتیک حمید پرنده یکی از دیپلمات‌هایش را که که به‌عنوان قاتل نقدی شناسایی شده بود لغو کند، اما حمید پرنده با استفاده از مصونیت دیپلماتیک از ایتالیا خارج شد. گفته شده است که او اکنون در دفتر علی‌اکبر ولایتی، مشاور امور خارجی رهبر ایران کار می‌کند.

۵۳- ۱۶ خرداد ۱۳۷۲، محمد حسن ارباب شستان معروف به محمد خان بلوچ سروان پیشین ارتش و از اعضای شورای ملی مقاومت در حال پیاده‌روی نزدیک خانه‌اش در کراچی پاکستان از پشت سر هدف قرار گرفت و کشته شد. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر عوامل جمهوری اسلامی ارباب را که در کمک به پناهجویان ایرانی هم در کراچی فعال بود ترور کرده‌اند. یک روزنامه‌ی پاکستانی همان زمان حمله، کنسولگری حکومت اسلامی را طراح عملیات معرفی کرد.

۵۴- ۲۵ تیرماه ۱۳۷۲، دکتر فلاح تفتی متخصص بیماری‌های قلب و عروق و زندانی سیاسی سابق به همراه همسر و دو فرزندش در خانه‌اش در خیابان پاسداران تهران به وسیله‌ی کارد کشته می‌شوند. از این خانواده، تنها فرزند بزرگ آن‌ها که در دانشگاه آزاد واحد زاهدان تحصیل می‌کرد و آن شب در خانه نبود زنده ماند. لازم به تذکر است که در برخی لیست‌ها، اسم ایشان به عنوان دکتر تقی تفتی ذکر شده است.

۵۵- ۳ شهریور ۱۳۷۲، محمد قادری عضو حزب دموکرات کردستان ایران، در شهر کرشهریر ربوده شد و جسدش را حدود ده روز بعد در حالی پیدا کردند که به‌شدت شکنجه شده و با تبر قطعه‌قطعه کرده بودند.

۵۶- ۶ شهریور ۱۳۷۲، مهران بهرام آزادفر عضو حزب دموکرات کردستان ایران در منزلش در آنکارا با شلیک ۸ گلوله ترور شد. دو نفر که خود را پلیس ترکیه معرفی کرده‌اند وارد منزل شده‌اند و به آزادفر شلیک می‌کنند در حالی که مرد سومی جلوی منزل نگهداری می‌داده است.

۵۷- ۱۴ دی ۱۳۷۲، طاهیا کرمانج مشاور کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان در شهر چروم ترکیه با شلیک گلوله ترور و پس از رسیدن به بیمارستان درگذشت. پس از ترور کرمانج، یک شهروند ایرانی به اتهام قتل او در ترکیه بازداشت شد.

۵۸- ۲۷ دی ۱۳۷۲، ابوبکر (کامران) هدایتی عضو حزب دموکرات کردستان ایران و مقیم سوند بر اثر انفجار یک بمب پستی که به آدرس خانه‌اش ارسال شده بود به شدت زخمی شد. او در اثر انفجار قسمتی از معده، دو دست و بینایی‌اش را از دست داد. هدایتی در نهایت ۱۶ تیرماه ۱۳۷۵، در نتیجه عوارض جراحات همین انفجار کشته شد. در فیلم مستند اسکار هیدین شواهدی از کوتاهی پلیس مخفی سوند در برخورد با ماموران اعزام ایرانی برای این ترور ارائه شده است.

۵۹- ۲۹ دی ۱۳۷۲، هایک هوسپیان‌مهر اسقف ایرانی ارمنی‌تبار کلیسای جماعت رتانی و شاعر مذهبی که برای دفاع از حقوق اقلیت‌های دینی و نجات زندانیان سیاسی و عقیدتی فعال بود سه روز پس از به نتیجه رسیدن تلاش‌هایش برای آزادی مهدی دیباج و در حالی که به فرودگاه مهرآباد می‌رفت در بین راه ربوده شد و چند روز پس از آن پلیس از پیدا شدن پیکر وی در یک منطقه جنگلی در نزدیکی تهران خبر داد. او با ۲۶ ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

۶۰- ۳۰ خرداد ۱۳۷۳، ۲۶ عزادار بی‌نام حاضر در آرامگاه منسوب به امام هشتم شیعیان در مشهد در اثر انفجار بمبی که ماموران وزارت اطلاعات کار گذاشته بودند کشته شدند. ابتدا ۳ عضو سازمان مجاهدین به‌عنوان عاملان انفجار معرفی شدند اما بعد از افشای نام برخی از دست‌اندرکاران قتل‌های حکومتی در سال ۱۳۷۷، مشخص شد که این انفجار را هم معاونت امنیت وزارت اطلاعات ترتیب داده است.

۶۱- ۳ تیر ۱۳۷۳، ملا محمد عثمان امینی پناهنده سیاسی کرد در خانه‌اش در کپنهاگ کشته شد. در گزارش سال ۱۹۹۶ وزارت خارجه‌ی آمریکا در مورد الگوی تروریسم جهانی، این ترور به حکومت اسلامی نسبت داده شد و گفته شده که فردی به نام سندر حسینی متهم به انجام این قتل در ایتالیا بازداشت شده است.

۶۲- ۳ تیر ۱۳۷۳، مهدی دیباج از رهبران کلیسای انجیلی هنگامی که از باغ کلیسا واقع در زیبادشت کرج برای شرکت در جشن تولد دخترشان فرشته عازم منزل بود، توسط افراد ناشناس ربوده شد. آن‌ها او را به جنگل‌های حومه تهران بردند و با ضربات چاقو به قتل رساندند و ماموران اطلاعات چند روز بعد خبر پیدا شدن پیکر او را اعلام کردند.

۶۳- ۱۱ تیر ۱۳۷۳، طاطوس میکانیلیان رئیس شورای کشیشان پروتستان، شش ماه بعد از قتل کشیش هایک هوسپیان‌مهر پس از ترک خانه‌اش در تهران ناپدید شد. پیکر وی ۱۱ تیرماه همان سال در حالی که با اصابت چند گلوله به سرش کشته شده بود پیدا شد. قاتلان بر روی تکه کاغذی که روی جنازه ی کشیش میکانیلیان گذاشته بودند نشانی جسد کشیش مهدی دیباج را قرار داده بودند.

۶۴- ۲۲ تیر ۱۳۷۳، شیخ محمد ضیایی امام جمعه اهل سنت بندرعباس در گردنه گوجی (توابع شهرستان بندرلنگه) از سوی ماموران امنیتی ربوده و کشته شد. پیکر محمد ضیایی از سوی بهداری چاه مسلم و با دیدن کارت شناسایی که به‌همراه داشت شناسایی شد. ناخن و دندان‌های شیخ را کشیده و به شیوه دردناکی به قتل رسانده و خودرو وی را به دره پرت کرده بودند.

۶۵- ۹ مرداد ۱۳۷۳، حسین شاه جمالی شهروند نومیچی که پیش‌تر چند بار تهدید شده بود ربوده شد و به قتل رسید.

۶۶- ۲۱ آبان ۱۳۷۳، محمدعلی اسدی مخالف سیاسی سلطنت‌طلب در بخارست پایتخت رومانی با هجوم سه نفر به خانه‌اش و با ضربات شمشیر کشته شد. همسر اسدی تاکید کرده یکی از ۳ مهاجم از اعضای سفارت ایران در بخارست بوده است. به گفته سخنگوی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان محمدعلی اسدی از یک ماه پیش از ترور نگران جان خودش بوده و درخواست حفاظت کرده بود.

۶۷- ۶ آذر ۱۳۷۳، علی‌اکبر سعیدی سیرجانی ادیب، پژوهش‌گر و نویسنده منتقد که از ۹ ماه پیش‌تر بازداشت و مجبور شده بود در اعترافات تلویزیونی علیه خودش صحبت کند با استعمال شیاف پتاسیم که موجب سکته قلبی می‌شود در بازداشتگاه توحید که در کنترل وزارت اطلاعات بود به قتل رسید.

۶۸- ۱۶ دی ۱۳۷۳، حسین برازنده مهندس و مدرس قرآن که تملق مقامات را رفتاری شرک‌آلود می‌دانست در حالی که شب پیش از آن پس از خروج از یک جلسه هفتگی قرآن به سمت منزلش رفته بوده شده بود از سوی ربایندگان خفه شده و کشته می‌شود. پیکر بی جان برازنده در کنار اتومبیل‌اش در حوالی خیابان فلسطین مشهد (ملک‌آباد) در حالی پیدا شد که در دستش آثار دستبند و در پشت و پهلو او آثار ضربه مشهود بود. پزشکی قانونی علت فوت را فشار شدید بر ناحیه گردن و انسداد مجاری تنفسی اعلام کرد. عبدالله نوری در دفاعیات خود در دادگاه، قتل برازنده به دست ماموران اطلاعاتی را تایید کرد.

۶۹- ۲۵ اسفند ۱۳۷۳، سیداحمد خمینی با تعویض داروهای که برای بیماری قلبی‌اش مصرف می‌کرد به قتل می‌رسد. در اعترافات منسوب به سعید امامی گفته شده دستور قتل احمد خمینی پس از آن صادر شده است که خبر رسیده او در جلساتی خصوصی به علی خامنه‌ای توهین کرده است. سیدحسین خمینی پسر احمد خمینی گفته است که نیازی رییس دادگاه نیروهای مسلح که پرونده رسیدگی به ماجرای موسوم به «قتل‌های زنجیره‌ای» به وی سپرده شده بود در دیداری به او گفته که مجرمان قتل‌های زنجیره‌ای اعتراف کرده‌اند احمد خمینی به دست «محفل قتل‌های زنجیره‌ای» کشته شده است.

۷۰- سال ۱۳۷۳، مولوی حبیب‌الله حسین‌بر از روحانیون سراوان مدتی پس از آزادی از زندان از سوی اطلاعات سراوان احضار و سپس بازداشت می‌شود. مولوی حسین‌بر از آن تاریخ مفقودالثر است.

۷۱- ۲۶ شهریور ۱۳۷۴، هاشم عبدالهی عضو جنبش مقاومت ملی بختیار در منزل پدرش در پاریس با شلیک گلوله کشته شد. داوود عبدالهی پدر هاشم عبدالهی یکی از شاهدان کلیدی دادگاه محاکمه‌ی قاتلان دکتر بختیار بود و به‌نظر می‌رسد قاتلان برای کشتن او به خانه‌اش رفته بودند اما در غیاب او، پسرش قربانی شد.

۷۲- شهریور ۱۳۷۴، علی توسلی از رهبران پیشین سازمان فدائیان خلق ایران-اکثریت هنگام سفر به باکو پایتخت جمهوری آذربایجان ناپدید شد. به نوشته عفو بین‌الملل، بر اساس گزارش‌های تایید نشده، عده‌ای از ایرانی‌ها احتمالاً مرتبط با نیروهای امنیتی ایرانی، توسلی را در باکو ربوده‌اند.

۷۳- ۲ آبان ۱۳۷۴، احمد میرعلایی نویسنده، مترجم و روشنفکر منتقد از سوی ماموران اطلاعات هنگامی که از منزلش به‌سوی کتابفروشی محل کارش می‌رفت ربوده و به قتل رسید. پیکر میرعلایی در حدود ساعت ۱۰ شب در کوچه‌های خیابان میر اصفهان پیدا شد. با تزریق انسولین به دست راست میرعلایی که موجب ایست قلبی شده او را به قتل رساندند.

۷۴- ۱۲ بهمن ۱۳۷۴، دکتر احمد صیاد معروف به مولوی احمد میرین شخصیت مذهبی بلوچ که چند روز پیش‌تر از آن هنگام بازگشت از دبی در فرودگاه بندرعباس ربوده شده بود به قتل رسید. پیکر بی‌جان او را در شهر میناب در کنار فلکه‌ای که معمولاً مسافران شهرستان جاسک از آن جا سوار ماشین می‌شوند، یافتند. آثار تزریق آمپول هوا در دست ایشان و علائم خفگی ناشی از ایست قلبی در پیکرش مشهود بود. یکی از بستگان دکتر صیاد شهادت داده است که او را در حالی دیده که از سوی دو نفر همراهی می‌شده است: «آن‌ها به من گفتند شما همین جا منتظر باشید، چند لحظه‌ای با حاج آقا کار داریم. آن‌ها دکتر را همراه خود بردند.» دکتر صیاد پیش‌تر در اسفند ۶۷ دستگیر شده بود و پس از یک سال انفرادی به ۱۵ سال زندان محکوم شد اما پس از ۵ سال مشمول عفو گشته و آزاد شده بود.

۷۵- ۲۸ بهمن ۱۳۷۴، فاروق فرساد شخصیت مذهبی کرد اهل سنت که دوران تبعید خود را در اردبیل می‌گذراند با تزریق پتاسیم به قتل رسید. پیکر فاروق فرساد را در یکی از کوچه‌های خلوت شهر اردبیل یافتند.

۷۶- ۱ اسفند ۱۳۷۴، زهرا رجبی با نام سازمانی مریم جوکار از اعضای شورای رهبری مجاهدین خلق و عبدالعلی مرادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق در آپارتمان محل اقامت خود در منطقه‌ی فاتح استانبول ترور شدند. شخصی به نام رضا معصومی برزگر که به جرم همکاری در انجام این ترور به ۳۲ سال زندان محکوم شد در دادگاه اعتراف کرد که با همکاری ۵ مامور امنیتی ایرانی این ترور را انجام داده است.

۷۷- ۱۴ اسفند ۱۳۷۴، مولوی عبدالملک ملازاده رییس سازمان اسلامی محمدی اهل سنت و مولوی عبدالناصر جمشیدزهی عضو مجلس اعلای اهل سنت ایران که پس از آزادی از زندان در تبعید در پاکستان به سر می‌بردند با تیراندازی از سوی مأمورانی که سوار یک تاکسی بودند در شهر کراچی کشته شدند.

۷۸- ۱۶ اسفند ۱۳۷۴، فخرالسادات برقی معلم قمی در منزلش در محله سالاریه این شهر با پیچاندن سیم به دور گردنش به قتل رسید. همسر وی پسرعمو و برادر زن مصطفی پورمحمدی معاون وزیر اطلاعات وقت بود. آگاهی او از اطلاعاتی که خطرناک تشخیص داده شده علت کشتن خانم برقی ذکر شده است.

۷۹- ۷ خرداد ۱۳۷۵، دکتر رضا مظلومان (کوروش آریامنش) استاد دانشگاه و از اعضای رهبری سازمان درفش کوبایی به دست دو نفر به نام‌های احمد جیحونی و مجتبی مشهدی با شلیک گلوله در منزلش در پاریس کشته شد. احمد جیحونی، مامور اطلاعاتی پیش‌تر به بهانه

همکاری در فعالیتی بازرگانی به رضا مظلومان در آلمان نزدیک شده بود و با او ارتباط داشت. جیحونی در دادگاه محاکمه و به‌خاطر انجام این ترور زندانی شد.

۸۰- شهریور ۱۳۷۵، جواد صفار زندانی سیاسی پیشین که در راه مغازه برادرش بود را سرنشینان یک اتومبیل ربودند. روز قبل از ربایش، اداره اطلاعات مشهد جواد صفار را احضار کرده بود اما صفار با این استناد که احضار تلفنی فاقد اعتبار است اعتنایی به این احضار نکرد. صفار در آبان ۷۵، تماس تلفنی کوتاهی با مادرش می‌گیرد و دیگر از او خبری نمی‌شود. صفار سال ۱۳۶۰ وقتی ۱۶ ساله بود بازداشت شد و ۳ سال را در زندان ماند. در زمان ربوده شدن تازه چند ماه بود که پس از ۹ سال دوری از کشور به ایران بازگشته بود.

۸۱- ۷ مهر ۱۳۷۵، کشیش محمد باقر یوسفی ملقب به روانبخش یوسفی در حالی که برای انجام مراسم دعا از منزل خارج شده بود ربوده و سپس به قتل رسید. غروب آن روز به خانواده‌اش اطلاع داده شد که پیکر حلق‌آویز شده کشیش روانبخش در جنگل‌های حومه ساری پیدا شده است.

۸۲- ۱ آبان ۱۳۷۵، فرزین مقصدلو و خواهرزاده‌اش شبنم حسینی در آپارتمانی در محله گرگان‌پارس گرگان در حالی که با چند مقام امنیتی دیدار داشتند با ضربات متعدد چاقو کشته شدند. فرزین مقصدلو از خانواده‌ای متمول که پس از انقلاب بخش عمده‌ای از اموال آن‌ها توقیف شد، برای بازپس‌گیری اموالش به ایران بازگشته بود اما پس از بازگشت به ایران به اتهام ارتباط با سازمان جاسوسی بریتانیا ممنوع‌الخروج شد. به گفته‌ی یکی از مسئولان سابق وزارت اطلاعات شب قتل فرزین و شبنم، سعید امامی که پس از ماموریتی در گرگان به تهران بازگشته بود به وزیر اطلاعات می‌گوید: «الحمدلله مشکل گرگان هم حل شد.»

۸۳- ۱۳ آبان ۱۳۷۵، سیامک سنجرى دارنده نمایشگاه اتومبیل در آستانه‌ی ازدواجش با ۱۵ ضربه چاقو به قتل رسید. سیامک سنجرى به دلیل معاملات اتومبیل با خانواده فلاحیان، وزیر وقت اطلاعات، ارتباط داشت. همسر فلاحیان از سنجرى درباره‌ی روابط خصوصی فلاحیان اطلاعاتی می‌گیرد، فلاحیان وقتی متوجه موضوع می‌شود دستور کشتن سنجرى را می‌دهد. خسرو براتی درباره‌ی قتل سیامک سنجرى در اعتراضات آورده است: «در حمام سونا، حاج علی، شیر سنگی را بر سر سنجرى کوبید و برادران هم کارش را با ضربات دشنه تمام کردند و بعد جسدش را به زیر پل کاوه انداختند و ماشینش را بردند به دره بیندازند و به آتش بکشند تا اثری نماند.»

۸۴- ۱۶ آبان ۱۳۷۵، دکتر عبدالعزیز کاظمی بجد شخصیت مذهبی اهل سنت که از سه روز پیش ربوده شده بود با شلیک به صورتش کشته شد. پیکر او را در حاشیه شهر زاهدان پیدا کردند در حالی که اتومبیلش نزدیک اداره اطلاعات زاهدان و کنار دیوار کنسولگری پاکستان رها شده بود بدون آن‌که سرفتی از آن صورت گرفته باشد.

۸۵- ۲۰ آبان ۱۳۷۵، دکتر غفار حسینی شاعر، مترجم، استاد دانشگاه و عضو کانون نویسندگان با تزریق آمپول پتاسیم در منزل مسکونی خودش در تهران به قتل رسید. آمپولی که سگته‌ی مغزی غفار حسینی و خونریزی شدید از ناحیه دهن را موجب شده است. غفار حسینی تلاش حکومت برای کشتن دسته‌جمعی نویسندگان در سفر به ارمنستان را پیش‌بینی و از قبول دعوت سفر به ارمنستان خودداری کرده بود. او به دوستان خود گفته بود: «همه‌تان را به ته دره می‌اندازند.»

۸۶- ۱۲ آذر ۱۳۷۵، ماموستا محمد ربیعی، نواندیش اهل سنت و امام جمعه کرمانشاه با تزریق آمپول هوا به قتل رسید. او چند روز پیش از آن، در حالی که برای شرکت در یک برنامه‌ی تلویزیونی به صدا و سیما کرمانشاه می‌رفت، از سوی ماموران اداره‌ی اطلاعات ربوده شده بود. ماموستا ربیعی پیش‌تر در انتقاد به سرریال امام علی نامه‌ای به مقامات نوشته و نسبت به تفرقه‌افکنی بین سنی و شیعه هشدار داده بود. (۸۷) آذرماه ۱۳۷۵، زهرا افتخاری زندانی سیاسی پیشین را از مقابل شرکت خصوصی که در آن کار می‌کرد به زور سوار اتومبیل کرده و می‌ربایند. زهرا افتخاری از زندانیان سیاسی دهه شصت بوده که پس از آزادی در شرکتی خصوصی مشغول به کار می‌شود. روز ربودن افتخاری، رییس ایشان کلیدهای شرکت را بدون هیچ توضیحی از او می‌گیرد و وقتی افتخاری از شرکت خارج می‌شود اتومبیلی با چند سرنشین او را به زور سوار کرده و با خود می‌برند. از زمان ربایش، خانم افتخاری مفقود شده است.

۸۸- ۱۱ دی‌ماه ۱۳۷۵، جلال مبین‌زاده زندانی سیاسی پیشین که پس از آزادی از زندان فعالیت سیاسی را کنار گذاشته بود و در مشهد زندگی می‌کرد پس از خروج از محل کار ربوده شد و احتمالاً به قتل رسیده است. تاکنون پیکر جلال مبین‌زاده یا نشانه‌ای دال بر زنده بودن او یافته نشده است.

۸۹- ۲۴ دی ۱۳۷۵، دکتر احمد تفضلی نویسنده، پژوهشگر و استاد زبان‌های باستانی دانشگاه را در حالی که از دفتر کارش در دانشگاه تهران راهی خانه‌اش بود ربوده و به قتل رساندند. دکتر تفضلی حدود ساعت ۲ بعد از ظهر در شمیران ناپدید شد و حدود ساعت ۹ شب ماموران گشت پاسگاه انتظامی باغ فیض، پیکر او را کنار اتومبیلش پیدا کردند. پاهای، سر و صورت و جمجمه او را شکسته بودند.

۹۰- ۲۵ دی‌ماه ۱۳۷۵، مرتضی علیان نجف‌آبادی زندانی سیاسی پیشین در مسیر منزل به محل کارش در مشهد ربوده شد. علیان زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد بود که از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۲ را در زندان گذرانده بود اما بعد به دلیل حسن رفتار از زندان آزاد شده بود. او پس از آزادی، در کار تولید گل بود و فعالیت سیاسی نداشت. مادرش می‌گوید اطلاعات پیش‌تر اعلام کرده بود سراغ پسرش خواهند رفت. در همان هفته اول گم شدن علیان، کسی آدرس یکی از انبارهای وزارت اطلاعات را به آنان می‌دهد که اتومبیل علیان در آن نگهداری می‌شده است. در شعبه یک آگاهی به آنان گفته‌اند در هفته‌های اخیر، یک زندانی سیاسی سابق دیگر به‌نام زهرا افتخاری به همین شیوه مفقود شده است. بعدتر یکی از مقامات دادستانی مشهد به مادر مرتضی می‌گوید که پسرشان را گرفته و کشته‌اند. پیکر مرتضی علیان تاکنون یافته نشده است.

۹۱- ۲ بهمن ۱۳۷۵، امیر غفوری زندانی سیاسی پیشین اهل مشهد و مدیر بخش نرم‌افزار یک شرکت کامپیوتری وقتی همچون هر هفته برای بازدید از واحد کامپیوتر کارخانه البسکو از محل کارش خارج شده بود پس از سوار شدن به آسانسور ربوده می‌شود. امیر غفوری از جان به‌دربرندگان کشتار سال ۶۷ سال ۱۳۷۰ پس از ده سال از زندان آزاد شده بود و پس از آزادی فعالیت سیاسی نداشت. از زمان ربوده شدن خبری از امیر غفوری به دست نیامده است.

۹۲- ۱ اسفند ۱۳۷۵، منوچهر صناعی و همسرش فیروزه کلانتری را که از چند روز پیش مفقود شده بودند با ضربات چاقو (۱۳ ضربه هر کدام) می‌کشند. پیکر کارد آجین شده آنان حوالی لشکرک، پل تهران‌پارس کنار همدیگر یافته شد. روز ۲۷ بهمن ماه چند مامور وارد دفتر کار فیروزه کلانتری شده او را با خود می‌برند. ۲۴ ساعت بعد منوچهر صناعی که در احداث بنای موزه تاریخ معاصر با بنیاد مستضعفان همکاری می‌کرد وقتی از خانه‌اش نزدیک میدان تجریش خارج می‌شد ربوده شد. منوچهر صناعی پیش از مرگ چندین بار به وزارت اطلاعات احضار شده بود.

۹۳- ۴ اسفند ۱۳۷۵، ابراهیم زال‌زاده روزنامه‌نگار و مدیر انتشارات ابتکار در راه بازگشت به خانه‌اش ناپدید شد. نوروز ۱۳۷۶ پیکر کارد آجین شده او در بیابان‌های یافت‌آباد پیدا شد. سینه و پشت او را با ۱۵ ضربه کارد پاره‌پاره کرده بودند. او پیش از مرگش از فشارها و تهدیدهای ماموران امنیتی خبر داده بود. گفته می‌شود زال‌زاده کتابی درباره به آتش کشیده شدن سینما رکس آبادان در دست انتشار داشت. زال‌زاده پیش‌تر هم نامه انتقادی سرگشاده‌ای خطاب به اکبر هاشمی رفسنجانی نوشته بود.

۹۴) ۲۰ اسفند ۱۳۷۵، مجتبی مهراسبی درویش اهل شهرری با شلیک ۳ گلوله به سر و سینه‌اش در مغازه تعویض روغنی‌اش در همین شهر به قتل رسید. سه مهاجم به داخل مغازه او می‌روند و پس از پاشیدن اسپری به‌صورت دو مرد دیگر حاضر در مغازه و زمین‌گیر کردن آنان، ۵۰ گلوله شلیک می‌کنند و پس از کشتن مهراسبی مغازه را ترک می‌کنند. قاتلان بعدتر با پخش اطلاعیه‌ای شرکت‌کنندگان در مراسم ختم او را به قتل تهدید کردند. بعداً آشکار شد که متهم به ترور سعید حجاریان یکی از اعضای حلقه ترور شهرری بود که از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ علاوه بر مجتبی مهراسبی چند نفر دیگر را در همین شهر به قتل رسانده بودند. ابراهیم قمری ۳۹ ساله، مجتبی امین ۲۸ ساله، غلامرضا عبداللهی و مریم متقی از جمله کسانی هستند که در آن چند سال به دست این گروه ترور شدند.

۹۵) ۱۹ فروردین ۱۳۷۶، سیدمحمود میدانی زندانی سیاسی پیشین اهل مشهد که به همسرش گفته بود مدتی است تحت نظر است در مسیر برگشتن از سر کار به منزل در حالی که در خیابان منتظر تاکسی بوده از سوی سرنشینان یک اتومبیل سواری ربوده می‌شود. محمود میدانی همسر خواهر دیگر زندانی سیاسی پیشین امیر غفوری است که دو ماه پیش از آن ربوده شده بود. او نیز همچون امیری از جان به‌دربرندگان کشتار ۶۷ بود و پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۷۰ فعالیت سیاسی را کنار گذاشته و به‌عنوان پیمانکار ساختمانی کار می‌کرد. پیش‌تر مقامی اطلاعاتی به خانم منصوره غفاری گفته بود که برادر و همسر او از اعدام‌های سال ۶۷ جسته‌اند و تهدید کرده که: «ما به موقع خدمت همه این‌ها می‌رسیم.» از زمان ربوده شدن خبری از میدانی به دست نیامده است. بعدتر به منصوره غفاری که به فاصله دو ماه برادر و همسرش را ربوده بودند می‌گویند عزیزان او هم احتمالاً قربانی زنجیره قتل‌های حکومتی شده‌اند.

۹۶) ۲۶ فروردین ۱۳۷۶، منصور دولت عضو محفل روحانی محلی بهانی طاهرآباد کرمان در خانه خود در این شهر به دست افرادی ناشناس به قتل رسید. قاتلان ظاهراً شناسایی نشدند. مقامات قضایی به خانواده توصیه می‌کنند پیگیر شناسایی قاتلان نباشند.

۹۷) تابستان ۱۳۷۶، محسن نادریان معروف به «محسن سگ‌سیل» از لات‌های تهران، شب هنگامی که با موتور به خانه‌اش در خیابان سه‌رودی نیش اندیشه روبروی پمپ‌بنزین می‌رسد هدف گلوله قرار می‌گیرد و کشته می‌شود. بعد از قتل محسن نادریان، یکی از نوچه‌هایش به نام محمود حاج غفور نیز ترور می‌شود. ماموران اطلاعات اجازه نمی‌دهند دوستان‌شان در خیابان ری برای آن‌ها حجله بگذارند.

۹۸) ۴ دی‌ماه ۱۳۷۶، فاطمه قائم مقامی سرمهماندار شرکت هواپیمایی آسمان در داخل اتومبیل پراید خود در خیابان پاسداران پس از گفتگو با مردی با شلیک یک گلوله به قتل می‌رسد. بنا به تحقیقات منتشر شده، قائم‌مقامی به دستور فلاحیان کشته شد. قائم‌مقامی از رهگذر نزدیکی با فلاحیان، اطلاعاتی از برخی فعالیت‌های او به دست آورده بود که احتمالاً از نظر فلاحیان، خطری امنیتی ارزیابی شده و برای همین به قتل رسیده است. دکتر بیژن جعفرزاده همسر قائم مقامی طی گفتگویی با روزنامه زن اعلام کرد او را به کمیته پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای احضار کرده و به او گفته‌اند همسرش از سوی «نیروهای خودسر» کشته شده است.

۹۹) دی‌ماه ۱۳۷۶، عباس نوایی روشندل هنگامی که نزدیک افطار برای خرید از خانه بیرون می‌رود ربوده می‌شود. نوایی اواسط سال ۱۳۶۶ از زندان آزاد شده بود و فعالیت سیاسی نداشت، اما تحت نظر بود و باید هر ماه برای امضای برگه‌ای دال بر حضور در کشور، به ادارای اطلاعات مشهد مراجعه می‌کرد. پیگیری‌های خانواده عباس نوایی برای یافتن او تاکنون بی نتیجه بوده است.

۱۰۰) سال ۱۳۷۷، مهرداد حاجیان، مهرداد کمالی، علا مبشریان، مهرداد حاجیان، محمد زمردی‌منش و علی اصغربیدی سیواش ورزش‌نما، محمد دانمی، شیردل عسگری، علی جاتلو، فرامرز تات‌پور و سید میرامین میرامینی، افسانه طهماسبی، محبوبه بهادری و زهره مظاهری، هوشنگ محمدرحیمی، فاطمه همتی، یدالله پاک‌نهاد، مریم فتحعلی آشتیانی، علامه ژبان، احمد آقایی، احمدرضا مطهری، جواد تقوی قهی، سیامک طویایی، ابراهیم طاهری، زهرا طاهری، حسن افخارجو، طیبه حیاتی، زهره جمشیدی، نرگس خانیان، بهنام مجدآبادی، محمدرضا پوراقبال و محمود خداینده‌لویی تعدادی از زندانیان سیاسی چپ و مجاهد دهه ۶۰ در تهران، اصفهان، شیراز، گلگاه، تبریز، سمنان، یاسوج و مشهد که از کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ جان به در برده بودند، بازداشت و یا ربوده شدند و از آن زمان ناپدید شده‌اند. گفته شده است این زندانیان و ۶ زندانی سیاسی سابق ساکن مشهد که بالاتر نامشان آمد در طرحی موسوم به طرح الغدیر ربوده شده و همگی در قتل‌گاهی نزدیک بهشت زهرا تهران پنهانی به قتل رسیده‌اند.

۱۰۱) ۳ اردیبهشت ۱۳۷۷، معصومه مصدق نوهی دکتر محمد مصدق را در خانه‌اش در کوچه خزایی خیابان نیاوران به قتل می‌رسانند. قاتلان دست‌هایش را بسته و شکنجه‌اش دادند، بینی‌اش را شکستند و سپس پارچه‌ای به حلق او فرو کرده و او را به قتل رساندند. مصدق ساکن آمریکا بود و برای فروش و مدیریت میراث پدری موقتاً به ایران بازگشته بود. قاتلان با وجود اشیای قیمتی در منزل چیزی از او نذریده بودند و هنوز هم شناسایی نشده‌اند. عدم تمایل نیروی انتظامی برای پیگیری قتل، در حالی که نشانه‌هایی برای شناسایی قاتلان در دسترس بود از نشانه‌هایی است که این قتل را به نظر ناظران در زنجیره قتل‌های حکومتی قرار می‌دهد.

۱۰۲) ۳ شهریور ۱۳۷۷، پیروز دوانی نویسنده، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی در حالی که از منزل خود عازم خانه‌ی خواهرش بود از سوی ماموران امنیتی ربوده شده و به قتل می‌رسد. بر اساس اعترافات تعدادی از عاملان بازداشت شده قتل‌های حکومتی، پیروز دوانی که پیش‌تر بارها به خاطر فعالیت‌هایش تهدید و احضار شده بود به فاصله کوتاهی از ربوده شدنش به قتل رسیده و جنازه‌اش در کنار خطوط راه‌آهن سوزانده و دفن می‌شود.

۱۰۳) ۳۱ شهریور ۱۳۷۷، حمید پورحاجی‌زاده شاعر، نویسنده و روشنفکر کرمانی همراه با کارون فرزند ۹ ساله‌اش به طرزی بی‌رحمانه و دل‌خراش سلاخی شدند و با ۴۳ ضربه‌ی چاقو به قتل رسیدند. فرخنده حاجی‌زاده خواهر حمید می‌گوید پس از پیگیری بسیار در نهایت ماموران اطلاعاتی به خانواده گفته‌اند کشتن حمید و کارون ۹ ساله یک اشتباه ساده‌ی اداری بوده است. پزشک قانونی گفته قاتلان سه نفر بوده‌اند و پس از ورود به خانه با حمید چای هم خورده‌اند. قاتلان، یا از ترس شناسایی و یا به‌خاطر آزار بیش‌تر حمید، کارون فرزند ۹ ساله حمید را هم مقابل چشمان او با ۱۶ ضربه چاقو سلاخی می‌کنند.

۱۰۴) ۲۸ آبان ۱۳۷۷، دکتر مجید شریف روشنفکر مذهبی، نویسنده و مترجم که با لباس گرم‌کن برای ورزش از خانه خارج شده بود به دست ماموران امنیتی به بهانه مشکوک بودن به مواد مخدر بازداشت و ربوده می‌شود و به شیوه دردناکی با تزریق آمپول پتاسیم به زیر ناخن پایش به قتل می‌رسد. بستگان مجید شریف بیکر او را چهارشنبه ۴ آذر در پزشکی قانونی شناسایی کردند. در اعترافات تعدادی از عاملان قتل‌های حکومتی به جزئیات قتل دکتر شریف اشاره شده است.

۱۰۵) ۱ آذرماه ۱۳۷۷، داریوش فروهر و پروانه اسکندری از رهبران حزب ملت ایران در خانه خود در خیابان هدایت به دست ماموران اطلاعاتی سلاخی می‌شوند. قاتلان چنان‌که در اعترافات خود گفته‌اند بابت این قتل‌ها که خود تمیز و صفش کرده‌اند از وزارت اطلاعات حق اضافه‌کاری دریافت کرده‌اند. برخی از قاتلان زندان نرفتند و به سر کار خود در وزارت اطلاعات برگشتند و برخی دیگر پس از دوره‌ای کوتاه زندان، آزاد شدند.

۱۰۶) ۱۲ آذرماه ۱۳۷۷، محمد مختاری شاعر، نویسنده، مترجم و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان در حالی که برای خرید از خانه خارج شده بود به دست ماموران اطلاعاتی ربوده شده و با پیچیدن طناب به دور گردنش به قتل رسید. قاتلان پیکرش را در بیابان‌های امین‌آباد، در محدوده کارخانه سیمان ری، کنار جاده منتهی به شهرک فیروزآباد انداخته بودند.

(۱۰۷) ۱۸ آذرماه ۱۳۷۷، محمدجعفر پوینده مترجم، نویسنده و جامعه‌شناس در حالی که عازم محل کارش در دفتر پژوهش‌های فرهنگی بود از سوی ماموران امنیتی در خیابان ایرانشهر ربوده شد و در همان اتومبیل با پیچاندن طناب به دور گردنش به قتل رسید و پیکرش در حوالی روستای بادامک در شهریار رها شد. قاتل او به حبس ابد محکوم شد اما اکنون همچون دیگر متهمان ۴ قتل پانیز ۷۷ آزاد است.

(۱۰۸) ۱۰ دی‌ماه ۱۳۷۷، دکتر جمشید پرتوی متخصص قلب و چنانچه گفته شده است پزشک ویژه سیداحمد خمینی در منزل مسکونی‌اش که در همسایگی منزل رییس‌جمهور است، کشته شد. گفته شده است دکتر پرتوی از وضعیت سلامتی و داروهای مصرفی احمد خمینی مطلع بوده و احتمالاً می‌توانسته شهادت بدهد مرگ او غیرطبیعی است و برای همین قاتلان احمد خمینی کشتن او را هم ضروری تشخیص داده‌اند.

(۱۰۹) مرداد ۷۹ تا مرداد ۸۰، شانزده زن بی‌پناه در مشهد به قتل رسیدند. بعداً شخصی به اسم سعید حنایی به اتهام ارتکاب این قتل‌ها محاکمه، محکوم و اعدام شد. گفته شده است عاملان این قتل‌ها مأموران امنیتی بوده‌اند و سعید حنایی برای قبول مسئولیت قتل‌ها بازی داده شده است. انصار حزب‌الله مشهد بعد از اعدام برای سعید حنایی به عنوان شهید امر به معروف مجلس ختم گرفت. به گفته برخی از خبرنگاران هم از جمله رویا کریمی مجد، پیش از اعدام، حنایی فریاد زده است که قرار آن‌ها این نبوده است و گویی از اعدام خود متعجب بوده است. خبرنگار روزنامه خراسان هم گفته است که دستکم در دو مورد نشانه‌های داده شده از سوی حنایی تطابقی با شواهد جنایت نداشته است.

(۱۱۰) ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۰، مولوی موسی کرم‌پور امام جمعه پیشین مسجد شیخ فیض اهل سنت مشهد در اثر انفجار بمبی کارگذاری شده مقابل مسجد محل تدریس‌اش در شهر هرات افغانستان کشته شد. مسجد شیخ فیض مشهد سال ۱۳۷۳ از سوی مأموران امنیتی بسته و به فاصله کوتاهی به کلی تخریب شد. مولوی کرم‌پور که پس از تخریب مسجد شیخ فیض و تهدیدات امنیتی متعاقب آن، ایران را ترک کرده و مقیم هرات شده بود زمانی که از مسجد خارج می‌شد کشته شد. والی وقت هرات این ترور را متوجه وزارت اطلاعات ایران کرد.

(۱۱۱) ۲ آذر ۱۳۸۴، قربان ذردی تورانی از نو مسیحیان ترکمن گنبد کاووس ربوده شده و پس از شکنجه بسیار با ضربات چاقو به قتل می‌رسد. قاتلان پیکر خون‌آلود او را با گلولی بریده در حالی که هنوز از آن خون می‌رفت جلوی کلیسای خانگی در منزلش رها می‌کنند. هفته پیش از قتل، آقای تورانی را برای توضیح در مورد اعتقاداتش به مرکزی اسلامی در گنبد دعوت می‌کنند و به او هشدار می‌دهند این آخرین فرصت او برای بازگشت به دین اسلام است. پس از کشته شدن آقای تورانی، مأموران امنیتی به خانه او ریخته و کتاب‌های مذهبی و دست‌نوشته‌های او را با خود می‌برند.

(۱۱۲) ۲۷ دی ۱۳۸۵، فتح‌الله منوچهری با نام مستعار فرود فولادوند هنرمند پیشین سینما و فعال سیاسی با دو تن از همراهانش الکساندر ولی‌زاده و ناظم اشمیت در استان حکاری ترکیه نزدیکی مرز ایران ربوده شدند. فولادوند مجری و مدیر شبکه تلویزیونی انجمن پادشاهی ایران بود و در نقد دین اسلام و حکومت اسلامی برنامه منتشر می‌کرد. بر اساس بیانیه ۲۴ خرداد ۱۳۸۷ عفو بین‌الملل: «این سه نفر به دست مأموران جمهوری اسلامی ربوده شده‌اند و احتمالاً در اختیار وزارت اطلاعات و در ایران زندانی‌اند.» در بیانیه تاکید شده که خودروی اجاره‌ای حامل این سه فرد، چندی پس از ناپدید شدن آن‌ها با شیشه‌های شکسته و بدون شماره در ترکیه پیدا شده است. از تاریخ ربوده شدن این سه نفر تاکنون ردی از آن‌ها پیدا نشده است و به نظر می‌رسد به قتل رسیده باشند.

(۱۱۳) ۹ مرداد ۱۳۸۷، عباس امیری و چهار روز بعد همسرش سکینه رحیمی نو مسیحی که با هجوم مأموران امنیتی به کلیسای خانگی آن‌ها در منزلشان در ملک‌شهر اصفهان، سه روز پیش از این تاریخ، در اثر ضرب و شتم به قصد کشت، بهشت مجروح شده بودند در بیمارستان جان‌شان را از دست می‌دهند.

(۱۱۴) ۲۰ آبان ۱۳۸۷، مولوی شیخ علی دهواری امام جمعه سنی مذهب شهر سراوان در سیستان و بلوچستان و مدیر مدرسه علوم دینی دارالحدیث امام بخاری پس از اقامه نماز مغرب در مسجد سبحان و در حالی که به خانه‌اش بازمی‌گشت از سوی دو موتور سوار هدف ۱۲ گلوله قرار گرفت و کشته شد. مولوی دهواری قبلاً به‌خاطر عدم پیروی از توصیه‌ها در خطبه‌های جمعه‌اش تهدید شده بود. چند سال بعد از آن‌به انعام پسر کوچک مولوی دهواری که بورسیه تحصیل برای دانشگاه مدینه می‌گرفت هشدار می‌دهند اگر می‌خواهد به سرنواشت پدرش دچار نشود بهتر است از پذیرش این بورس صرف‌نظر کند.

(۱۱۵) ۱۹ آبان ۱۳۸۸، دکتر رامین پوراندراجانی پزشک و وظیفه‌کهریزک در محل کار خودش در یکی از مراکز نیروی انتظامی کشته شد. دکتر پوراندراجانی از سوی سعید مرتضوی دادستان وقت تهران تحت فشار قرار گرفته بود تا علت جان‌باختن شماری از بازداشت‌شدگان بازداشتگاه کهریزک را منتزیت اعلام کند. او که بازداشت‌شدگان را معاینه کرده بود تسلیم این خواسته نشد و به گفته نزدیکانش پیش از مرگ جزئیاتی از نحوه‌ی شکنجه‌ی بازداشت‌شدگان کهریزک را افشا کرد و همین موجب شد از سوی اطلاعات ناجا به قتل برسد. مرگ او ابتدا خودکشی اعلام شد و بعدتر گفته شد بر اثر مسمومیت کشته شده است. مسعود علی‌زاده از بازداشت‌شدگان کهریزک می‌گوید دکتر پوراندراجانی مدارک زیادی در مورد کهریزک و حتی نقش فرماندهان ناجا داشت که برای نیروی انتظامی خیلی سنگین بود و به همین دلیل «رامین را از بین بردند.»

(۱۱۶) ۳۰ شهریور ۱۳۸۹، دکتر عبدالرضا سودبخش دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران و رئیس درمانگاه عفونی بیمارستان خمینی، ساعت ۹ شب هنگام خروج از مطب خود به ضرب گلوله یک موتورسوار به پهلویش کشته شد. دکتر سودبخش به‌عنوان کارشناس پزشکی قانونی، معترضان به نتایج انتخابات ۸۸ را که در بازداشتگاه کهریزک جان‌باخته بودند معاینه کرده بود. او برای این که اعلام کند جان‌باخته‌ها منتزیت گرفته بودند تحت فشار بود. به‌رنگ سودبخش، پسر بزرگ‌تر عبدالرضا سودبخش گفته است پدرش درباره‌ی آزار جنسی و نحوه‌ی شکنجه‌ی بازداشت‌شدگان کهریزک با آن‌ها صحبت کرده و از این بابت بسیار ناراحت بوده است. خانواده و همکاران نزدیک دکتر سودبخش معتقدند عدم همکاری دکتر سودبخش با مأموران و برنامه او برای سفر به آمریکا و هراس اطلاعات ناجا از این‌که دکتر سودبخش در این مورد افشاگری کند عامل ترور او بوده است.

(۱۱۷) ۳ مهر ۱۳۹۰، اصغر کاظمی با نام هنری شایان کاویانی پس از خروج از رویال هتل استانبول ناپدید شد. کاویانی که در یکی از تلویزیون‌های ماهواره‌ای لس‌آنجلس برنامه‌ای انتقادی در مورد اسلام اجرا می‌کرد تنها یک روز پس از آن‌که برای دیدار با یکی از طرفدارانش وارد استانبول شد در این شهر ناپدید شد. پلیس فدرال آمریکا جایزه‌ای ۲۰۰ هزار دلاری برای دادن اطلاعاتی که منجر به یافتن او شود در نظر گرفته است. یکی از دوستان کاویانی می‌گوید همه‌ی هزینه‌های سفر او به ترکیه از سوی کسی در ایران پرداخت شده بود.

(۱۱۸) ۲۲ آبان ۱۳۹۰، احمد رضایی فرزند محسن رضایی در اتاقش در هتل گلوریای دبی به شیوه نامعلومی جان داد. احمد رضایی پیش‌تر در سال ۱۳۷۷ به آمریکا پناهنده شده و در مصاحبه‌ای گفته بود تمام ترورهایی که در حکومت اسلامی ایران رخ می‌دهد، در دفتر آقای خامنه‌ای تصمیم‌گیری می‌شود. بازرس ویژه قتل در تهران علت مرگ او را قتل عمد اعلام کرد و گفت در اتاق رضایی پوکه‌های مصرف شده قرص، بریدگی بر روی ساعد و همچنین اثر شوک الکتریکی بر کف دست وجود داشت در حالی که هیچ وسیله برنده، شوکر و سیم برقی در اتاق او کشف نشد. گفته شده احمد رضایی اطلاعات و یا تماس‌هایی داشته است که کشتن او را ضروری کرده است.

(۱۱۹) ۱۳ بهمن ۱۳۹۱، مولوی عبدالله براهویی امام جماعت مسجدی در خیابان بدر زاهدان با تیراندازی از سوی سرنشینان یک خودروی سواری ترور شد. مولوی براهویی علاوه بر امامت مسجد در چند مکتب اهل سنت زاهدان به کودکان آموزش احکام دینی می‌داد. گروهی به‌نام

«جبهه همبستگی ملی اهل سنت ایران» حکومت اسلامی را مسئول این ترور معرفی کرد. بعدتر گفته شد ماموران امنیتی از خانواده مولوی براهویی خواسته‌اند از پیگیری پرونده ترور ایشان خودداری کنند.

(۱۲۰) ۲ شهریور ۱۳۹۲، عطاالله رضوانی شهروند بهانی اهل بندرعباس با شلیک گلوله‌ای به سرش در اتومبیل خود در جاده‌ای خارج از شهر کشته شد. اتومبیل و کیف پول رضوانی دزدیده نشده و تنها گوشی موبایلش مفقود شده بود. عطاالله رضوانی بارها از سوی نهادهای امنیتی تهدید شده بود. در جلسات بازجویی یکی از شهروندان بهایی به او گفته بودند: «به رضوانی بگویند که نوبت او هم می‌رسد و حسابش را خواهند رسید.» کریم میرزایی، نوجوان ۱۷ ساله افغانستانی سرایدار منزل دوست رضوانی و کسی که آخرین بار ایشان را دیده بود حدود دو ماه بعدتر و پس از این‌که به وکیل خانواده رضوانی گفت که از سوی اطلاعات تهدید شده تا با آن‌ها صحبت نکند مفقود شد و تا امروز خبری از او در دست نیست. رضایی، افسر پلیس مسئول پرونده بدون هیچ توضیحی تحقیقات خود را متوقف کرد. اداره آگاهی و دادسرای بندرعباس هم پرینت تماس‌ها و مسیج‌های موبایل سرقت شده رضوانی را به پرونده ضمیمه نکردند. بازپرس امانی خانواده را تحت فشار گذاشت تا با گرفتن دیه از دولت، از پیگیری این پرونده صرف‌نظر کنند تا پرونده مختومه اعلام شود.

(۱۲۱) ۲۴ آذر ۱۳۹۴، محمد رضا صمدی (کلاهی) عضو پیشین سازمان مجاهدین خلق و متهم به انفجار سال ۱۳۶۰ ساختمان حزب جمهوری اسلامی، در خیابانی در شهر آلمیره هلند از نزدیک هدف گلوله قرار گرفت و همان روز در بیمارستان کشته شد. او قبل از کشته شدن، چندین روز تحت نظر بوده است. مهاجمان حرفه‌ای بودند و پس از ترور خودروی دزدی خود را آتش زدند تا هیچ اثری از خود به جای نگذارند. بعدتر رسانه‌های هلندی با استناد به سخنگوی سرویس اطلاعات و امنیت این کشور گزارش دادند دو دیپلمات ایرانی از هلند اخراج شده‌اند. روزنامه کیهان در تهران هم در همین باره نوشت که سازمان اطلاعات و امنیت هلند به سفیر حکومت اسلامی اعلام کرده که دو دیپلمات حکومت اسلامی که در ترور محمدرضا کلاهی صمدی و احمد نیسی نقش داشته‌اند بایستی خاک هلند را هر چه زودتر ترک کنند.

(۱۲۲) ۳۰ آبان ۱۳۹۵، دکتر عمران دهوری فرزند مولوی شیخ علی دهوری که آخرین روزهای تحصیلات پزشکی خود را می‌گذراند به‌طرز مشکوکی به علت مسمومیت درگذشت. با وجود تایید مسمومیت به‌عنوان علت مرگ از سوی پزشک اورژانس و یکی از اساتید دانشکده علوم پزشکی گواهی فوت دکتر دهوری به‌عنوان ایست قلبی صادر شد. نوری، مسئول دفتر رهبری در شهرستان سراوان پیش‌تر عمران دهوری را احضار کرده او را تهدید کرده که ممکن است به سرنوشت پدرش دچار شود. قاضی «توحیدی»، از قضات سرشناس سیستان و بلوچستان هم به او گفته بود پیگیری این ماجرا به جایی ختم نمی‌شود و به نفع آن‌ها نخواهد بود.

(۱۲۳) ۳۰ آذر ۱۳۹۵، علی قویتاسی، وهاب میرخضری، سالار باقری، ارسلان عباس‌نیا، ناصر کریمی و دو شهروند اقلیم کردستان عراق (عدنان عثمان و سنگر ستار)، در نتیجه دو انفجار مقابل دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان در شهر کویه در اقلیم کردستان عراق کشته شدند. بمب‌ها شب یلدا و پس از پایان مراسم زادروز عبدالرحمان قاسملو، دبیرکل سابق حزب دموکرات کردستان ایران منفجر شد. حزب دموکرات در بیانیه‌ای اعلام کرد که جمهوری اسلامی مسئول این بمب‌گذاری است. هوشیار زیباری، وزیر خارجه سابق عراق نیز در توییتی این انفجارها را به سپاه پاسداران ایران منتسب کرد.

(۱۲۴) ۹ اردیبهشت ۱۳۹۶، سعید کریمیان مدیر شبکه جم که به تبلیغات علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی متهم شده و بر اساس حکم غیابی به شش سال زندان محکوم شده بود در ترکیه ترور شد. به گزارش روزنامه ملیت، متهمان به قتل سعید کریمیان و شریک کوییتی‌اش محمد متعب شلاحی در حالی که در تلاش بودند با گذرنامه جعلی از راه کشوری اروپایی به ایران بازگردند، هنگام خروج از مونته‌نگرو به‌دست پلیس صربستان دستگیر شدند. گفته شده است که اشخاص حمله‌کننده احتمالاً با حکومت اسلامی ایران در ارتباط بوده‌اند. به گزارش ملیت، پلیس استانبول در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده بود که کریمیان در سه ماه پیش از ترورش، از سوی حکومت اسلامی مورد تهدید قرار گرفته بود و به همین دلیل قصد داشت تا با ترک استانبول به لندن برود.

(۱۲۵) ۱۷ آبان ۱۳۹۶، احمد مولا ابوناهاض (احمد نیسی) رهبر «جنیش نضال برای رهایی الاحواز» مقابل خانه‌اش در لاهه، به ضرب ۳ گلوله کشته شد. دو نفر همراه مولا شهادت داده‌اند هنگام پیاده شدن از اتومبیل، فردی با صورت پوشیده از یک اتومبیل بنز و با کلت کمری مجهز به صدا خفخه کن از پشت به سر احمد نیسی شلیک کرده و بعد از افتادن او بر زمین، دو تیر دیگر هم به سینه‌اش شلیک کرده است. در رسانه‌های هلند، در دو پرونده مرتبط با قتل «محمدرضا کلاهی صمدی» و «احمد نیسی» نام حکومت اسلامی مطرح شد.

(۱۲۶) ۱۰ اسفند ۱۳۹۶، صباح رحمانی عضو حزب دموکرات در نتیجه انفجار اتومبیل بمب‌گذاری شده پدرش به‌شدت مجروح و روز بعد در بیمارستان کشته شد. این بمب در اتومبیل صلاح رحمانی، از فرماندهان حزب دموکرات کردستان ایران کار گذاشته شده بود اما نتها موجب مجروح شدن او شد. به نوشته جمعیت حقوق بشر کردستان، این فرمانده حزب دموکرات در سال‌های اخیر بارها از سوی نیروهای امنیتی ایران تهدید به مرگ شده بود.

(۱۲۷) ۱۵ اسفند ۱۳۹۶، قادر قادری از فرماندهان حزب دموکرات کردستان در نزدیکی روستای هرتل در حومه شهر رانیه در اقلیم کردستان عراق با شلیک نزدیک به ۲۰ گلوله به سوی اتومبیلش ترور شد. حزب دموکرات کردستان ۱۳ روز بعد از ترور در بیانیه‌ای اعلام کرد مسئول یک گروه تروریستی ۵ نفره بازداشت شده در اقلیم کردستان اعتراف کرده است که نقشه ترور قادر قادری از سوی اطلاعات سپاه پاسداران طراحی شده است.

(۱۲۸) ۱۰ فروردین ۱۳۹۷، احمد امیراحمدی از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران و از زندانیان سیاسی سابق در شهر سوران در اقلیم کردستان عراق ترور شد. به گفته برادرزاده احمدی، عمویش هنگام خواب هدف گلوله افرادی ناشناس قرار گرفت. حزب دموکرات کردستان حکومت اسلامی را به انجام این ترور متهم کرد.

(۱۲۹) ۱۲ تیر ۱۳۹۷، فرشید علوی آبگرم معلم و از فعالان مذهبی اهل سنت ارومیه در شهر وان ترکیه ربوده شد و کمتر از یک ماه بعد در ۴ مرداد ۱۳۹۷ پیکرش در شهر باش‌قلعه ترکیه پیدا شد. به گفته پلیس ترکیه عاملان قتل علوی آبگرم سعی داشته‌اند وی را به ایران ببرند. علوی آبگرم که در مساجد اهل سنت ارومیه فعالیت تبلیغی دینی داشت بعد از اعدام ۲۵ جوان اهل سنت از جمله شهرام احمدی و هم‌چنین دستگیری چند تن از دوستانش، به ترکیه مهاجرت کرده بود.

(۱۳۰) ۲۶ تیر ۱۳۹۷، اقبال مرادی از مسئولان جمعیت حقوق بشر کردستان ایران در پنجوین، از شهرهای مرزی اقلیم کردستان عراق با ایران، با شلیک ۳ گلوله ترور شد. مرادی پیش‌تر نیز در سال ۱۳۸۷ ترور شده بود اما با وجود شلیک ۱۵ گلوله از مرگ نجات یافته بود. اقبال مرادی که در دهه ۶۰ به اتهام عضویت در حزب کومله ۶ سال را در زندان گذرانده بود، در چند سالی که در پنجوین زندگی می‌کرد کمپین‌های متعددی علیه اعدام راه انداخته بود. خانواده‌ی او می‌گویند پیش‌تر دستگاه امنیتی کردستان عراق به او هشدار داده بود که حکومت اسلامی به دنبال کشتن اوست.

گفته شده است علیه اعضاء یا فعالان احزاب کردستان ایران و در مواردی پناهندگان کرد در خاک اقلیم کردستان عراق در مجموع ۲۱۷ مورد ترور فردی یا گروهی از سوی نیروهای وابسته یا اجیر شده از سوی حکومت اسلامی انجام شده است.

(۱۳۱) روز جمعه ۲۴ آبان ۱۳۹۸، مسعود مولوی، مدیر یکی از کانال‌های افشاگر به‌نام جعبه سیاه، در محله سیسلی استانبول ترور شد. بر اساس گزارش پلیس و فیلم دوربین‌های مداربسته، مولوی هدف ۱۱ گلوله قرار گرفته است.

در رابطه با ترور مسعود مولوی نیز گرچه پنج نفر در ابتدای آذرماه به ظن دخالت در این ترور دستگیر شدند، سنوالات و ابهامات درباره نقش نیروهای امنیتی حکومت اسلامی ایران در این ترور و ترورهای مشابه همچنان بی‌پاسخ مانده است.

...